

بررسی و شناخت ابعاد شخصیتی امام خمینی با تاکید بر مختصات بینشی، منشی و رفتاری و تاثیر در پیشروندگی انقلاب اسلامی با محوریت اندیشه- های حضرت آیت الله خامنه‌ای

محمد اسفندیار*

دکتر غلامرضا خواجه سروی**

حسین اسفندیار***

چکیده

بررسی ابعاد شخصیتی رهبران سیاسی، که در تحولات عظیم تاریخی و معادلات بین‌المللی و ایجاد یک نظام سیاسی نقش داشته‌اند، این فرضیه را تقویت می‌کند که مطالعه چند بعدی بر روی شخصیت و مدل رفتاری آنان، ما را به نتایج مهمی در علل و عوامل ریشه‌های پیشرفت آن شخصیت و یا نظام نزدیک می‌نماید، ضمن اینکه نقش بسزایی را در پویایی عقبه فکری و سیاسی نظام‌ها دارد که با توجه به آن می‌توان کارآمدی نظام‌ها را تقویت نمود. امام خمینی به عنوان بنیانگذار یک نظام سیاسی جدید در ایران و همچنین یک فقیه برجسته شیعی، که دارای اندیشه‌های فلسفی، عرفانی و سیاسی عمیق می‌باشد، شناخته می‌شود که منجر به شکل‌گیری انقلاب اسلامی شده است. لذا باز شناسی ابعاد شخصیتی امام خمینی با تحلیل و تاکید بر مختصات بینشی، منشی و رفتاری شخصیت ایشان، علاوه بر اینکه ما را در فهم دقیق‌تر اندیشه‌های ایشان کمک می‌-

*. کارشناس ارشد علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) esfandiar.1300@yahoo.com

** . دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی khajehsarvy@yahoo.com

***. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی واحد علوم و تحقیقات Hesfand@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۵

نماید، می‌توان چارچوب‌ها و مولفه‌های پیشرفت و توسعه این نظام را نمایان سازد و به عنوان یک مدل و الگو برای کارآمدی نظام‌های سیاسی به خصوص نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح باشد. به این منظور در واکاوی اندیشه‌های امام خمینی از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران و مفسر اندیشه و آراء امام خمینی استفاده خواهیم نمود. این پژوهش با روش تحلیلی و توصیفی به این سوالات خواهد داد. مختصات بینشی، منشی و رفتاری امام خمینی چیست و تاثیر آن بر پیشروندگی نظام جمهوری اسلامی به چه میزان است؟ ضرورت بازخوانی ابعاد شخصیتی امام خمینی چه تاثیری در نفوذ و اقتدار ایران در سطوح ملی و بین‌المللی دارد و نقش آن در ساخت تمدن اسلامی چیست؟ بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشروندگی انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک متغیر، تحت تاثیر ابعاد بینشی، منشی و رفتاری ایشان بوده است.

واژگان کلیدی

امام خمینی، بینش، منش، رفتار، نظام سازی، جامعه سازی، تمدن سازی

طرح مسئله

با بوجود آمدن انقلاب اسلامی ایران یک حرکت بزرگ بشری و یکی از تحولات شگرف جهانی بدست حضرت آیت الله خمینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ رقم خورده است انقلابی که در یک مدت زمان کوتاه مرزهای جغرافیایی خود را در نوردید و به عنوان یک انقلاب بزرگ در سطح جهان مطرح گردید. انقلابی که توسط فردی صورت گرفته که خود یک انسان کامل و والا می‌باشد. لذا انقلاب اسلامی با توجه به ویژگی‌ها و محتوای غنی که از مکتب بزرگ اسلام الهام گرفته شده است این قابلیت و ظرفیت را در درون خود ایجاد کرده است که تمام بشریت بتواند از سرچشمه‌های معرفتی این نظام بهره‌مند گردد و قابلیت سرآمد بودن در تمدن‌های موجود در جهان را داشته باشد.

لذا ما در این پژوهش، محور بحث خود را بازخوانی ابعاد شخصیتی امام خمینی و کنکاش و بررسی در اندیشه‌های ایشان از دیدگاه مقام معظم رهبری به عنوان دومین رهبر انقلاب اسلامی ایران قرار می‌دهیم. مقام معظم رهبری دارای اندیشه و دیدگاه جامع و مانع نسبت به افکار امام خمینی می‌باشند و به توصیف و تحلیل عقاید سیاسی، اجتماعی ایشان در سخنرانی‌های مختلف می‌-

پردازد. از دلایلی که موجب شد اندیشه‌های امام را از دیدگاه مقام معظم رهبری بررسی نماییم این است ایشان به عنوان یک اسلام شناس و یک فقیه سیاسی که در حوزه سیاسی و اجتماعی مطرح و دارای یک منظومه فکری در باب فقه، سیاست، فرهنگ و اجتماع می‌باشد. همچنین ایشان از فعالان و همراهان امام در شکل‌گیری انقلاب اسلامی است که با ابعاد بینشی، منشی، روشی و رفتاری ایشان آشنایی دارند.

«امام یک اصولی دارد، یک مبانی‌ای دارد؛ این مبانی در طول ده سال دوران حاکمیت اسلامی و پیش از آن در طول پانزده سال دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان شده است؛ اصول امام را در این بیانات می‌شود پیدا کرد؛ این اصول و خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد؛ شخصیت امام این است» بیانات ۹۴/۳/۱۴

چرایی مطالعات اندیشه امام خمینی

امام خمینی با استمداد از اصول، قواعد و مبانی اسلامی، نظام سیاسی‌ای را تاسیس نمود که دارای مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی مشهودی بوده است. برون‌داد و خروجی مطلوب نظام اسلامی در سطح داخلی و خارجی، این انگیزه را در محقق و سایر پژوهشگران و سیاست‌مداران ایجاد می‌کند که به چرایی و چگونگی و چستی شخصیت امام خمینی به عنوان فرد تاثیر گذار در روند انقلاب اسلامی، بپردازند.

به اذعان پژوهشگران شاخص‌های مشروعیت، مقبولیت، کارآمدی از نتایج انقلاب اسلامی ایران است که تقریباً پس از چهار دهه توانسته به عنوان یک قدرت بین‌المللی در سطوح گوناگون نقش آفرینی نماید.

اشاره به دو نظریه در جامعه‌شناسی رهبران (آیا نوابغ و رهبران، جامعه و

تاریخ را می‌سازند یا بالعکس)

دانشمندان علم الاجتماع و کسانی که در فلسفه تاریخ بحث و بررسی نمودند در این مسئله اختلاف دارند که آیا جامعه و تاریخ، ساخته دست قهرمانان هستند یا قهرمانان و رهبران، ساخته دست جوامع هستند و افراد نقش اساسی در جامعه ندارند. به عبارت دیگر قهرمانان فکر و عمل، جامعه و تاریخ را می‌سازند یا تاریخ و جامعه - در بستر و دامن خود - نوابغ را می‌پروراند. دو نظریه در این حوزه مطرح

می‌باشد. نظر اول اینکه نقش افراد را در بوجود آمدن پدیده‌های اجتماعی ناچیز می‌شمارند و بر این باورند که خود جامعه، قانونمند است و با قوانین خاص خودش، دگرگونی‌هایی پیدا می‌کند. در این دیدگاه نقش رهبران (نوابغ و قهرمانان) کم‌رنگ جلوه داده می‌شود. در نظریه دوم این مسئله مطرح است که تغییرات اجتماعی معلول شخصیت‌های بزرگ تلقی می‌شود و تا آن جا پیش می‌روند که گاهی اظهار نظر می‌کنند «تاریخ، ساخته دست قهرمانان است» منظور از قهرمانان، اشخاصی‌اند که دارای مزایای ویژه‌ای باشند و فعالیت بر جسته‌ای انجام بدهند و تحولی در جامعه به وجود آورند. در نظریه دوم به بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی رهبران می‌پردازند و بدنبال جنبه اصلی و بررسی بعد شخصیتی‌ای که در پیشرفت کار و موفقیت او موثر بوده است. (مصباح یزدی، ۸۶، ۱۶)

نظریه اسلام: در نظر گرفتن هر دو عامل (شرایط اجتماعی و نقش رهبران)

آنچه در منابع اسلامی استفاده می‌شود، با هیچ یک از دو نظریه بالا مطابقت کامل ندارد؛ یعنی چنین نیست که تنها قهرمانان و رهبران در ساختن جامعه و تاریخ موثر باشند و جامعه هیچ نقشی نداشته باشد و نیز چنان نیست که خود جامعه، دارای یک قانونمندی جبری باشد و افراد نتوانند نقش اساسی را در جامعه ایفا کنند؛ بلکه این عوامل، به طور مشترک تاثیر می‌گذارند؛ یعنی گاهی این عامل، قوی-تر است و گاهی عامل دیگر. به هر حال؛ هر دو عامل با هم دیگر در دگرگونی‌های جامعه موثرند. از جمله مواردی که نظر جامعه‌گرایان را - که منکر نقش افراد هستند - رد می‌کند ظهور پیامبران (علیهم‌السلام) پیشوایان دینی و مصلحان اجتماعی است؛ و روشن است که این نظریه برای تبیین حرکت‌های انبیاء کافی نیست. از سوی دیگر تاثیر پیامبران بر تغییرهای اجتماعی، به معنای قهرمان پرستی در تاریخ نیست؛ یعنی وقتی یک پیامبر و مصلح اجتماعی در جامعه‌ای ظهور می‌کند - هر چند دارای ویژگی‌های خاص، فوق‌العادی، نبوغ‌ها، علم غیب، قدرت اعجاز بود - ولی چنان نبود که به تنهایی جامعه را یکسره عوض کند، بلکه پیشرفت انبیاء، مرهون شرایط اجتماعی فرهنگی ویژه‌ای است. البته خود پیامبران در ایجاد این شرایط - کم و بیش - موثر بوده‌اند؛ ولی پیشرفت ایشان مرهون پذیرش مردم بود. هیچ عامل جبری برای اینکه مردم دعوت انبیاء را بپذیرند وجود نداشت، همان گونه که برای پدید آمدن ایشان هم، عمل جبری‌ای موثر نبود.

پس آنچه می‌توان از دیدگاه اسلامی در این زمینه ارائه کرد، نظری معتدل است. در این نظریه باید دو مطلب را با هم ملاحظه کرد: اول نقش افراد برجسته بویژه انبیاء در جامعه و دوم، شرایط اجتماعی، توده‌های مردم و تاثیری که آنان می‌توانند بر حرکت‌های اجتماعی و پذیرفتن دعوت انبیاء

و مصلحان داشته باشند. (همان، ۱۸)

با توجه به نظریه‌های بالا می‌توانیم انقلاب اسلامی را به عنوان یک پدیده و تحول اجتماعی سیاسی مورد بحث و بررسی قرار داد و عامل اصلی این پدیده را در ویژگی‌های رهبری و شرایط سیاسی اجتماعی حاکم بر جامعه مانند عقاید شیعه، دگرگونی‌های زندگی شیعه در طول تاریخ، زحمتهایی که عالمان و بزرگان در تبیین سیره اهل بیت علیهم‌السلام کشیده‌اند، اعتقاداتی که مردم به حرکت ائمه اطهار بویژه قیام کربلا داشته‌اند و آداب و رسوم که در طول تاریخ در ایران شکل گرفته بود. در نظر گرفت. به طور قطع مجموعه عوامل پیش گفته، زمینه‌ایی را برای تغییر فراهم آورده بود که با توأم شدن مدیریت و رهبری امام خمینی انقلاب اسلامی بوجود آمد. (همان، ۲۱)

این پژوهش در پی شناسایی مولفه‌های شخصیتی امام خمینی به عنوان عامل انسانی انقلاب اسلامی با تاکید بر ابعاد بینشی، منشی و کنشی شخصیت ایشان می‌پردازد و تاثیر این عوامل را در پیشروندگی انقلاب اسلامی بررسی می‌کند.

ضرورت مطالعه شخصیت‌ها با تاکید بر مختصات بینشی، منشی و رفتاری

بررسی و مطالعه شخصیت رهبران سیاسی و شخصیت‌های ارزشی و تاثیر گذار بر فرآیند رشد کشورها نشان می‌دهد که اکثریت این رهبران دارای ابعاد شخصیتی تکامل یافته و چندبعدی نبوده‌اند و صرفاً از برخی ویژگی‌ها و خصوصیات و ارزش‌های انسانی برخوردار بوده‌اند. در این بین امام خمینی به عنوان یک سیاستمدار و به عنوان یک شخصیت علمی و روحی متعالی دارای ابعاد گوناگون شخصیتی می‌باشد که از برجستگی‌های ویژه‌ای برخوردار است. بنا به گفته اندیشمندان سیاسی اسلامی بعد از امامان شیعه، شخصیتی که دارای چنین شاخص‌های برجسته باشد، بوجود نیامده است. در طول تاریخ بعد از ائمه اطهار علیهم‌السلام اندک افرادی را می‌توان یافت که اسلام را با همه‌ی جوانب و در همه‌ی ابعاد آن (عقاید، اخلاق، احکام، مسائل فردی، ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مسائل درون مرزی و بین المللی) شناخته باشد و افزون بر مسائل پیش گفته، بینش اجتماعی و شناخت وی از جامعه، وسیع و جامع باشد و با وضع جهان، سیاستمداران، سیاست‌بازان و دسیسه‌ها آنان آشنایی کافی داشته باشند. دست سیاست‌بازان و توطئه‌گران را از پیش بخواند که چه خواهند کرد؛ یعنی از نظر بینش جهانی و شناخت سردمداران استکبار و زور مندان جهانی، پیش‌تر و بیشتر از همه بدانند که آن سیاست‌بازان چه نقشه‌ای در بر و چه خیالی در سر دارند. در زندگی فردی؛ زاهد پارسا، نمونه‌ای از زندگی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بود. در دور اندیشی و دور نگری _ نسبت

به دشمنان و بیگانگان _ با فراست و تیز بین بوده و بتواند اسلام را آن چنان هست، بشناسند. ما در این پژوهش با تکیه بر منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای به تحلیل ابعاد شخصیتی امام خمینی می‌پردازیم.

بینش

در واقع می‌توان گفت بینش‌ها مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و رویکردهای کلی ذهنی و فکری یک فرد در موضوعات اساسی و بنیادی حیات اجتماعی است که منجر به رفتار و عمل او در تصمیم‌گیری در حوزه‌های گوناگون زندگی می‌شود. مختصات بینشی، مربوط به جنبه نگرشی است؛ و ادراک خیالی و ادراک عقلی انسان را شامل می‌شود. انسان از ادراک خیالی و عقلی خاصی برخوردار است که در دیگر موجودات وجود ندارد. ادراک خیالی بشر نه تنها ثابت و رکود ندارد؛ بلکه تکامل پذیر و خلاق است و لذا علوم هنری از آن ناشی می‌گردد. ادراک عقلی نیز منشأ علوم، فلسفه و مسائل استنباطی است. (خسرو پناه، پایگاه تحلیلی علوم انسانی) شاخص‌های عقلانیت، علمانیت، حکمت، بعدفلسفی، بعدفکری و خردورزی، تدبیر و هوشیاری از مقوله بینش سرچشمه می‌گیرد.

منش

مختصات منشی انسان، مربوط به جنبه درونی است؛ مختصات منشی همان ویژگی‌هایی است که بشر به واسطه آنها، فضایل و ردایل، نظیر زشتی ظلم و زیبایی عدالت را درک می‌کند و اخلاقیات شکل می‌گیرد.

مفهوم طبع نهایتاً متناسب با فضای مفهومی منش است و منش را می‌توان به منزله نظامی از طبایع تعریف نمود (جمشیدیها، پرستش، ۱۳۸۵، ۱۱)

منش، مجموعه‌ای از خلق و خوهای فراهم آمده در شخصیت کنشگر است که نحوه مواجهه او با موقعیت‌های مختلف را جهت می‌بخشد، به گونه ای که می‌توان آن را ناخودآگاه فرهنگی، قاعده الزامی هر انتخاب، اصل هماهنگ کننده اعمال و الگ ی ذهنی و جسمی ادراک و ارزیابی و کنش نامگذاری نمود.

با این احتساب، منش نظامی از طبایع گذرا و درعین حال ماندگاری است که اساس تولیدکننده اعمال ساخت‌مند به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، منش ماتریس ادراکات، ارز یابی و اعمال است. (همان، ۱۲)

کنش (رفتار، عمل یا اقدام میدانی)

مختصات کنشی انسان، مربوط به جنبه رفتاری است؛ مختصات کنشی، رفتار ارادی انسان را در برمی گیرد.

کنش‌ها در علوم رفتاری و اجتماعی بررسی می‌شوند. مجموع برآیندهای مختصات بینشی و بینشی سازنده مختصات رفتاری و عملی فرد خواهد بود و از آنها تاثیر خواهد پذیرفت.

شخصیت

شخصیت عبارتست از، مجموعه‌ای سازمان یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و پایدار که یک فرد را از افراد دیگر متمایز می‌سازد (شاملو، ۸۲، ۱۵) بنابراین مفهوم اصلی و اولیه شخصیت، تصویری ظاهری و اجتماعی است که بر اساس نقشی که فرد در جامعه بازی می‌کند، قرار دارد. یعنی در واقع، فرد به اجتماع خود شخصیتی را ارائه می‌دهد تا جامعه بر اساس آن وی را ارزیابی کند. (همان، ۱۵)

در این پژوهش با توجه به این سه مختصات اصلی انسان به تبیین شخصیت امام خمینی می‌پردازیم و این که مختصات فوق با چه فرآیندهایی در روند پیشرفت انقلاب اسلامی و جهان اسلام موثر واقع شد. (جدول شماره یک)

الف) تحلیل ابعاد بینشی امام خمینی

ب) تحلیل ابعاد منشی امام خمینی

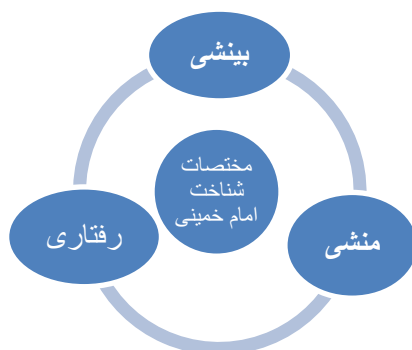
ج) تحلیل ابعاد رفتاری امام خمینی (عمل نظام سازی، عمل جامعه سازی، عمل تمدن سازی)

(جدول شماره یک)

| مؤلفه‌های شخصیتی | شاخص ۱ | شاخص ۲ | شاخص ۳ | شاخص ۴ | شاخص ۵ |
|-------------------------------|------------------|------------------------|-----------------|-------------------------------|---------------------------|
| مختصات بینشی | توحید محور | عقل مدار | علم گرا | حکمت زا | خرد، تدبیر، فکر و محاسبات |
| مختصات منشی | منش عرفانی | منش اخلاقی | منش تربیتی | ایمان به خود و مردم | قاطع، راسخ، تسلیم ناپذیری |
| مختصات رفتاری یا اقدام میدانی | نظام سازی | جامعه سازی | تمدن سازی | عدالت طلبی | آزادی خواهی |
| ابعاد چند وجهی | تلفیق بینش و منش | عمل حاصل از بینش و منش | تلفیق علم و عقل | توام سازی معنویت با علم و عقل | ---- |

الف) تحلیل مختصات بینشی شخصیت امام خمینی

مختصات بینشی امام خمینی را با خصوصیتی که در ابعاد عقلانی و فکری ایشان موثر بوده بیان می‌کنیم. شاخص‌هایی همچون بینش توحیدمحور، بینش عقل مدار، بینش علم گرا، بینش حکمت‌زا و شخصیت فلسفی ایشان و همچنین مولفه‌های خردورزی، تدبیر، مصلحت و هوشیاری مورد بررسی قرار خواهیم داد



۱. بینش توحید محور

مبداء و غایت بینش امام خمینی بر محور توحید و اعتقاد به وجود خداوند باری تعالی می‌گردد، چنانچه در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی ایشان ملموس بوده است. بدیهی است که منشاء همه‌ی تحولاتی که بدست امام خمینی در سطوح داخلی و بین‌المللی ایجاد شده است به مدد بینش توحیدی ایشان بوده است. مقام معظم رهبری در تشریح خصوصیات ایشان بر جهان بینی توحیدی که زیر بنای همه‌ی تفکرات اوست تاکید می‌کنند.

«منظومه‌ی فکری امام دارای خصوصیات کامل یک مکتب فکری، اجتماعی و سیاسی است. اولاً متکی و مبتنی بر یک جهان بینی است که این جهان بینی عبارت است از توحید. «همه‌ی فعالیت او، همه‌ی منطق او مبتنی بود بر توحید که زیربنای اصلی همه‌ی تفکرات اسلامی است» ۹۴/۳/۱۴

«اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم ستیز، اسلام عدالت خواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنجدیدگان و مستضعفان» ۸۹/۰۳/۱۴

«اولین مطلبی که در [مکتب] امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی

اسلام آمریکایی است. دوّم: یکی از اصول امام آتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی» بیانات ۹۴/۳/۱۴

انقلاب اسلامی ایران تداوم راه پیام آورن الهی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان راستین آن حضرت علیه السلام بوده و رهبری حضرت امام خمینی رحمته الله علیه همانا وراثت نایبان عمومی آن پیشوایان دینی بوده است؛ بنابر این حضرت امام خمینی هدایت را از رهنمودهای دینی دریافت نموده‌اند (جوادی آملی، ۷۲، ۲۱)

۲. بینش عقل مدار و تفکر محور

یکی از ابعاد نظام تربیتی اسلام و در راس آن تعلیمات قرآن کریم، دعوت به اندیشیدن و بهره‌مندی از نیروی فکر است. در این آیین الهی که نخستین پیامش با فعل امر بخوان آغاز شده است و عنوان کتاب مقدس آسمانی‌اش قرآن به مفهوم خواندنی است، فراوان پیروانش را مصرانه به خواندن، دیدن، شنیدن و سیر و سفر کاوشگرانه در زمین دعوت می‌نماید و به انسان هشدار می‌دهد که علت اصلی کفر و انحراف، عدم اندیشه ورزی و تفکر است و در این باره همین بس که می‌فرماید:

"و يجعل الرجس علی الذین لا یعقلون" آنچه در دنیای کنونی، انسان را قادر می‌سازد تا خود را با سلاح علم، هنر، اخلاق و معنویت مجهز سازد، قدرت فکری اوست. (سرتیپ زاده، ۸۹، ۲۳)

منطق امام بزرگوار ما، منطق عقل، منطق فکر، منطق عمل روشن بینانه، منطق انسانیت و هنجار انسانی و اخلاق انسانی و فضائل اخلاقی بود؛ دنیا دنبال این است. بیانات ۱۳۸۴/۰۶/۱۱

«از ویژگی‌های برجسته شخصیت ایشان بکارگیری عقلانیت اسلامی به معنای اتم و مصداق کاملش بوده است. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است» در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است» بیانات ۹۰/۰۳/۱۴

«او، هم عاقل بود، هم دوراندیش بود، هم محتاط بود، هم دشمن شناس بود، هم به دوست اعتماد می‌کرد و هم ضربه‌ای را که به دشمن وارد می‌کرد، قاطع وارد می‌کرد. همه صفات و خصوصیات که برای یک انسان لازم است تا بتواند در چنین جایگاه حساس و خطیری انجام وظیفه کند و خدا و وجدان خود را راضی نماید، در این مرد جمع بود ... این، بُعد حاکم و رهبر بودن امام در موضع

یک انسان مقتدر و یک انسان بااراده بود؛ انسانی که اگر جنگ پیش بیاید، می-تواند تصمیم بگیرد؛ اگر صلح هم باشد، می‌تواند تصمیم بگیرد. برای اداره یک کشور و برای مواجهه با دشمنان، می‌تواند تصمیم‌گیری کند» بیانات ۱۳۷۸/۳/۱۴

در ارزش و اهمیت عقل، روایات فراوانی از ائمه اطهار علیهم‌السلام وارد شده است که بر اساس آنها عقل به عنوان مهم‌ترین و محبوب‌ترین مخلوق الهی و ملاک جزا و پاداش معرفی شده است. امام باقر علیه‌السلام فرمود: وقتی خداوند عقل را آفرید، هر آنچه دستور داد اطاعت کرد و از هر چه نهی کرد پرهیز نمود. آن‌گاه خداوند فرمود: «به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی که از تو به پیشم محبوب‌تر باشد نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم. همانا امر و نهی و کیفر و پاداش متوجه تو است»

«نقشه‌ی امام، کار اصلی امام، بنای یک نظم مدنی - سیاسی براساس عقلانیت اسلامی بود؛» بیانات ۹۳/۰۳/۱۴

عقل بزرگ‌ترین سرمایه انسان است. امام صادق علیه‌السلام از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که خطاب به حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «ای علی! شدیدترین فقر جهالت و بزرگ‌ترین سرمایه عقل است.

نگاه عقلانی، با برنامه و محاسبه و هوشمندی و تدبیر باعث می‌شود که در طی هر مسیری دچار لغزش و انحراف نشویم. دین‌مداری، عدالت‌خواهی، آزادی‌طلبی و هر آرمان اسلامی و انسانی دیگر اگر با عقلانیت همراه نباشد، نه تنها ما را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند بلکه مشکلات را پیچیده‌تر هم می‌کند و موجب ایجاد انحراف هم می‌شود (قالیباف، ۱۳۸۷)

اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا باشد دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید نخواهد بود، اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود، خیال می‌کند چیزهایی عدالت است در حالی که نیست، و چیزهایی را هم که عدالت است گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است (سال ۸۴ در دیدار با اعضای دولت نهم).

۳. بینش علم‌گرا (ابتکار امام در علوم چهار گانه)

امام در چهار رشته از علوم، متبحر بود و از زبده‌ترین صاحب نظران این علوم بود (علم فقه، اصول

فقه، فلسفه اسلامی، عرفان اسلامی) ما کسی را نمی‌شناسیم که مثل ایشان در این چهار رشته، به حد کمال رسیده باشد. ممکن است افرادی باشند که در بعضی از ابعاد این علوم، هم‌تراز یا مقدم بر امام باشند ولی در علوم دیگر مانند فلسفه یا علوم عقلی تبحر کافی را نداشتند. جامع بودن امام در حد بسیار بالایی بود. او از نادر افرادی بود که در زمینه‌های اصلی علوم اسلامی، به قله رسیده بود، هم در علوم عقلی و هم در علوم نقلی و هم در سیر و سلوک معنوی. در فقه، فلسفه، عرفان، ادبیات فارسی، عربی و در معارف اسلامی چنان فکر می‌کرد و آنقدر جامع و همه سو نگر بود.

آن بینشی که امام در فقه و اصول، کلام و فلسفه، عرفان و علوم اسلامی دیگر داشت، جامعیتی ویژه او بود. افزون بر تسلط فقه، آن را چنان درک و اجرا می‌کرد که توانست درد جامعه را درمان کند و به نیازهای اجتماعی پاسخ گوید، بدون آنکه ذره‌ای از اصالت فقه کاسته شود. افزون بر این، پویایی فقه و پاسخگویی به نیازهای جامعه را متناسب با مقتضیات زمان و مکان و با در نظر گرفتن شرایط متغیر اجتماع هم مشاهده می‌کنیم. جمع کردن بین این دو مقوله، کار بسیار دشواری است از یک سو اصالت فقه حفظ شود و از سویی استنباط‌هایی که پاسخ گوی نیاز های متغیر جامعه باشد. امام این دو ویژگی را با فراست و ظرافت فنی و هنر مندانه خویش جمع کرده بود. خدمات علمی عالمان و اندیشمندان گذشته، تعلیم و تعلم و نگارش بود؛ یعنی علوم را از نسل گذشته بیاموزند و به نسل آینده انتقال دهند. بعضی نیز تجربه‌های گذشتگان را حفظ و تکمیل می‌کردند. ولی بعضی از نوابغ افزون بر حفظ میراث علمی و فرهنگی پیشینیان، نو آوری‌هایی هم داشته‌اند که بر غنای علمی جامعه افزوده‌اند. امام خمینی یکی از این نوابغ و نوادر دوران بود. ایشان علوم اسلامی را به خوبی فرا گرفته و با تدریس، تعلم و تالیف آن علوم را هم ثبت و ضبط کرد و هم به شاگردانش تعلیم داد. افزون بر اینها، اهل ابتکار و نوآوری بود. او افزون بر انجام وظیفه پیش گفته، در چهار رشته اسلامی تبحری ویژه و تخصص و امتیازی چشمگیر داشت. (همان، ۴۸)

تمایز عالم بودن با روح علمی داشتن

یکی از ویژگی‌های امام خمینی داشتن روح علمی بوده است هرچند اندیشه، برای بارور شدن باید با علم ملازم گردد، لیکن میان عالم بودن و روح علمی داشتن تفاوت وجود دارد چه بسا افرادی که عالم هستند ولی روح علمی ندارند و چه بسا افرادی که روح علمی دارند ولی عالم نیستند. عالم واقعی کسی است که روح علمی با علمش توأم باشد. مقصود از روح علمی چیست؟ اگر انسان خودش را نسبت به حقایق بی طرف و بی غرض نگاه دارد و بخواهد حقیقت را آنچنان که هست

درک کند نه آنطور که دلش می‌خواهد، در این صورت او دارای روح علمی است. خداوند در آیات سوره نجم بیان می‌دارد که از دلایل گمراهی افراد آن است که هوای نفس خویش را در تشخیص خود دخالت می‌دهند و در نتیجه با ذهن غرض آلود وارد مطالعه مسائل می‌شوند. روح علمی داشتن یعنی روح حقیقت‌جویی، روح بی‌غرضی، روح بی‌تعصبی، روح خالی از جمود و خالی از غرور. (سرتیب زاده، ۸۹، ۱۴) پس می‌توان یکی از عامل‌های موفقیت امام را در تسلط بر علوم اصلی دانست.

تبحر در علم دین

ابتکار امام خمینی در دین و فقه‌شناسی نه مانند اخباریون بود که از روزنه زبون تحجر و ثقبه کم نور جمود و خمول به آن می‌نگرند، و نه مانند سایر اصولیون بود که از تنگنای مباحث الفاظ و اصول عملیه در آن نظر می‌نمایند. (جوادی آملی، ۲۲) نبوغ امام خمینی در فقه‌شناسی، صرفاً در طرح اصل مسئله «ولایت فقیه» نبود، زیرا این مسئله سابقه طولانی دارد؛ و نیز در جمع‌آوری ادله عقلی و نقلی بر آن نبود، چون استدلال بر آن نیز کم و بیش بی‌سابقه نیست، بلکه مزیت آن حضرت در این بوده که اولاً تمام پهنه زمین را از کران تا کران و همه سینه باز زمان از عصر تا عصر را قلمرو «ولایت فقیه» نایب امام عصر ارواحنا فدا می‌دانست؛ و ثانیاً، عقل عملی او با «ولایت» متحد بود چنانکه عقل نظری او با «فقاہت» متحد شد و چون در افق والای تجرد قرار داشت، حجاب بین نظر و عمل رخت بر بست و فقاہت آمیخته با ولایت و ولایت عجین شده با فقاہت با روح این انسان متکامل، متحد شد؛ چنانکه نفس در مقام تجرد تام عقلی خود با معقول متحد می‌گردد. (همان، ۲۴)

۱. بینش فلسفی

نحله‌های فلسفی معروف، میان فیلسوفان اسلامی به سه دسته تقسیم می‌شوند: یکی مکتب مشایی است که بزرگانی مانند فارابی و ابن سینا از آن پیروی و آن را ترویج می‌کردند. یکی هم مکتب اشراقی است که از زمان شیخ شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق)، میان فیلسوفان اسلامی رواج یافت. دیگری مکتب صدر المتألهین است که جامع بین آرای مشائیین و اشراقیین و عارفان است. که مکتب صدرایی و یا حکمت متعالیه نامیده می‌شد. حضرت امام نیز، حکمت متعالی را پسندید و بر اساس کتاب اسفار ملا صدرا، تدریس می‌کرد که استاد مطهری و بزرگان دیگری از محفل بهره‌ها بردند؛ البته امام در فلسفه نیز مانند علوم دیگر اهل نظر بود. چنین نبود که مثل برخی تمام افکار ملا صدرا را بی‌چون و چرا بپذیرد و هیچ نقدی بر آنها نداشته باشد. امام با وجود نقد و نظر بر مرحوم ملا صدرا، از میان آن سه نحله، مکتب او را تأیید می‌کرد؛ از این رو باید بگوییم از پیروان فلسفه ملا صدرا

بود؛ هر چند بر آن نیز خرده‌ها می‌گرفت. (همان، ۵۴)

تلفیق علم و عقل (علم و عقل لازم و ملزوم یکدیگر)

یکی از ابعاد اندیشه و تفکر در اسلام ملزومات اندیشه ورزی است. یکی از ویژگی‌های انسان اندیشه ورز از منظر کلام و وحی، داشتن علم و آگاهی است. اگر انسان تفکر کند ولی اطلاعاتش ضعیف باشد، مثل کارخانه‌ای است که ماده‌ی خامش کم است، بنابراین این کارخانه نمی‌تواند کار کند یا محصولش کم خواهد بود. اگر کارخانه ماده خام زیاد داشته باشد ولی کار نکند باز فلج است و محصولی نخواهد داشت. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: "یا هشام! ثم بین ان العقل مع العلم، ای هشام! عقل و علم باید توأم باشد" آنگاه حضرت به آیه‌ی "و تلک الامثال نضربها للناس و ما یعقلها الا العالمون" استناد نمود. این آیه ملازمت اندیشه و علم با یکدیگر را بخوبی نشان می‌دهد. (همان، ۱۳)

قرآن می‌آموزد که اندیشه جز بر بستر علم نمی‌روید. برای عاقل بودن باید عالم بود (اگرچه هر عالمی عاقل نیست) راه علم نیز با «تبیین» هموار می‌شود. آشکار شدن امور و مسائل در پرتو تبیین، منجر به علم می‌شود؛ "کذالک یبیین الله ءایاته لعلکم تعقلون" علامه طباطبایی ذیل تفسیر این آیه می‌نویسد: بیان خدا مقدمه‌ی تمامیت علم است و تمامیت علم هم مقدمه عقل و وسیله‌ای به سوی آن است. (طباطبایی، ترجمه‌ی موسوی، ۱۳۷۴، ۳۷۶)

امام خمینی عقل و علم را دارای تمایز می‌داند و تاکید می‌کند که کسی که عالم می‌باشد باید عقل خود را هم بکار اندازد تا راه درست را انتخاب نماید. ایشان عقل و علم را مولفه‌هایی می‌داند که باید در کنار یکدیگر باشند و باعث هم افزایی یکدیگر شوند. «شما ملاحظه بکنید در هر جای دنیا که یک فساد وارد می‌شود برای همین معناست که آن کسی که در آنجا، در آن نقطه قدرت دارد، این قدرت دارد عقل ندارد، قدرت دارد انسانیت ندارد. این عقلی که من عرض می‌کنم آن عقلی است که «ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ» وَاَلَا - تدبیر - شیطنت و تدبیر را اینها هم دارند. اما آن عقلی که عقل سالم باشد و بتواند انسان را به ارزش‌های انسانی برساند ندارند. مجرد دانشمند بودن به یک معنا، این فایده ندارد. ممکن است که یک کسی دانشمند بسیار بزرگی باشد لکن آن عقل را نداشته باشد، دانش خودش را صرف فساد بکند، صرف تباه کردن ملت‌ها بکند. اینها دارند قدرت خودشان را صرف می‌کنند در اینکه ملت‌ها را تباه بکنند، تحت ستم بکشند. از آن قدرت‌های بالا هم که پایین بیاییم شما ملاحظه می‌کنید که در محیط این منطقه صدام چه می‌کند و اسرائیل چه می‌کند» (صحیفه جلد ۱۸)

توام سازی علم و عقل با معنویت

در باب اهمیت عقل از منظر امام نیز می‌توان به نکات بسیار مهمی پی برد و اشاره می‌کنند که همه-ی قوا تابع قوه عقل می‌باشند و قوه عقل تابع شرع می‌باشد و این دو را دارای رابطه مستقیم می‌داند و هرآنچه عقل پذیرفته باشد شرع نیز می‌پذیرد و بالعکس.

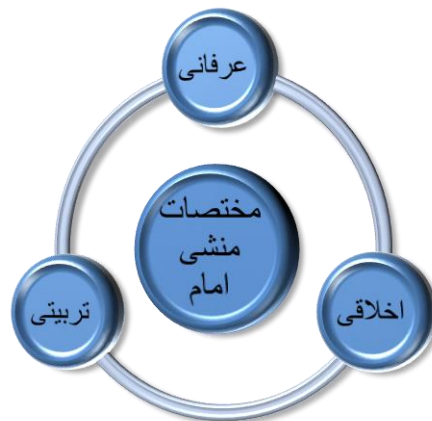
«همه‌ی قوا تابع قوه عقل شدند که عقل هم تابع شرع است. برای یک همچو حکومتی که حکومت عقل است، حکومت عدل است، حکومت ایمان است، حکومت الهی است، در رفتنش عزا لازم است و در برقراری اش - برای همان چند سال حکومت حضرت امیر - مسلمین باید جشن بگیرند» امام خمینی،
۱۳۵۰/۰۴/۱

ب) تحلیل ابعاد منشی امام خمینی

مختصات منشی امام در ابعاد عرفانی، اخلاقی، تربیتی ایشان مورد تحلیل قرار می‌گیرد. ویژگی‌های روحی، معنوی، قاطعیت، مجاهدت و سختی پذیری نیز در این بخش مورد مطالعه واقع می‌شود.

«شیوه‌ی امام عبارت بود از شیوه‌ای که پیامبران آن را می‌پیمودند؛ یعنی تزریق ایمان و باور عمیق، همراه با بصیرت و آگاهی و تأمل و فکر در مخاطبان خود.
بیانات ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

«حقیقتاً رفتار و منش امام علیه السلام، آن مرد بزرگ، نشان دهنده و نمایشگر یک معلم کامل و با احساس مسئولیت بود» بیانات ۱۳۸۹/۰۲/۱۵



۲. منش عرفانی

اگر کسی بخواهد شخصیت امام را بررسی کند، در خواهد یافت که جوهر شخصیت ایشان «عبودیت» بود. همه‌ی چیزها در شعاع عبودیت خدا جلوه می‌کرد. چه بسیار انسان‌های برجسته‌ای که به این راز پی برده بودند ولی آن را به صورت حرکتی و رابطه‌ای شخصی میان خود و خدا، تلقی می‌کردند؛ مانند بسیاری از عارفان که شخصیت آنان کم و بیش شناخته شده است. اما امام نه تنها در دلش با خدا ارتباط داشت بلکه در گفتار و پندار، رفتار و کردار فردی، خانوادگی، اجتماعی و حتی بین‌المللی او «عبودیت» تجسم داشت (مصباح، ۹۲، ۵۶) در تشخیص ابعاد معنوی ایشان، مقام معظم رهبری مولفه‌های ذیل را به عنوان ابعاد معنوی ایشان بر می‌شمارد:

«امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه‌ی بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمی‌گرفت؛ اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود؛ به کمک الهی باور داشت؛ امید او به خدای متعال، امید پایان ناپذیری بود» بیانات ۹۰/۰۳/۱۴

«اما همین انسان، در چهره زندگی شخصی و خصوصی خود، یک انسان زاهد و عارف و منقطع از دنیاست. البته منظور، دنیای بد است؛ همان چیزی که خود او می‌گفت دنیای بد، آن چیزی است که در درون شماسست. این ظواهر طبیعت زمین و درخت و آسمان و اختراعات و امثال اینها دنیای بد نیست. اینها نعمت-های خداست؛ باید اینها را آباد کرد» بیانات ۱۴/۳/۱۳۷۸

باورهای چهار گانه

سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت، که همین سه باور به او قاطعیت میداد، شجاعت میداد و استقامت میداد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه‌ی حرکت‌های امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد. این سه باور در امام - یعنی باور به خدا، باور به مردم، باور به خود - محور همه‌ی تصمیم‌گیری‌های او، همه‌ی اقدام‌های او و همه‌ی سیاست‌های او شد. بیانات ۹۲/۰۳/۱۴

«او با اراده‌ی قاطع و با دست توانای خود، به کمک این ملت، اساسی‌ترین مرحله‌ی این راه طولانی را طی کرد و دنیای اسلام را متحول نمود» بیانات ۸۴/۳/۱۴

«امام دارای این چهار ایمان بود: ایمان به خدا، ایمان به مردم، ایمان به این راه

و ایمان به موفقیت حتمی آخر کار. امام در طول حیات، چه در حوزه علم و تدریس، چه در دوران مبارزه‌ی دشوار، و چه در حوزه‌ی مدیریت و حاکمیت، آن وقتی که در رأس کشور قرار گرفت و مدیریت جامعه را در قبضه گرفت، در همه‌ی اینها مصداق «و توکل علی العزیز الرحیم» بود. بیانات ۹۱/۰۳/۱۴

۳. منش اخلاقی (مجاهدت، قاطعیت، جسارت، سختی پذیری)

امام خمینی با پیراستن دل از آلودگی‌ها و آراستن آن به زیور «محاسن اخلاق» از راه ریاضت و مجاهدت می‌کوشد تا حقیقت را در آن متجلی گرداند. در این مسلک، حرکت قلبی و عملی مورد نیاز است نه حرکت عقلی و فلسفی. در نگاه عرفان، انسان با تزکیه نفس، راه تعالی می‌پوید و از معبر قلب به قرب الهی و کرامت انسانی دست می‌یابد و درد خداجویی و عشق به کمال الهی را تازیانة سلوک می‌شناسد و خط سیر و سلوک را در اخلاق درد و قوس صعود و نزول می‌بیند و مخاطبان خود را در سطحی خاص و آشنا به عرفان می‌شناسد. (شرفی، ۷۸، ش ۱۹) دنیای بد، آن خودخواهی، آن افزون طلبی و آن احساس تعلقی است که در درون انسان است. امام از این دنیای بد به کلی منقطع بود. ۱۳۷۸/۳/۱۴ مظهر معنویت در امام بزرگوار، در درجه‌ی اول، اخلاص خود او بود. ۹۰/۰۳/۱۴ مقام معظم رهبری رموز موفقیت و پیروزی مکتب امام خمینی را از بعد روحی مجاهدت، اراده قاطع، جسارت و عدم تسلیم شدن ایشان در برابر باطل می‌داند:

امام این اصول را قبل از پیروزی انقلاب، برای ملت و آگاهان تشریح کرد؛ بعد از پیروزی انقلاب، براساس آن، جمهوری اسلامی را پایه گذاری کرد و تا وقتی که زنده بود، پای این اصول ایستاد و برای آن مجاهدت کرد.

امام (قیام لله) کرد و خودش با همه‌ی وجود وارد میدان شد. با فریاد خود، با تلاش خود، با قبول زحمات، ملت را پای کار آورد. با این حرکت و با این عزم راسخ، خداوند متعال آن میلیون‌ها عامل و فعل و انفعال را بر این حرکت مترتب کرد و آنچه اتفاق افتاد، به یک معجزه شبیه بود؛ یعنی تشکیل نظام مبتنی بر اسلام در یک نقطه‌ی حساس؛ به خاطر این حرکت امام، که البته آماج دشمنی و کینه‌ی همه‌ی صاحبان زور و زر در سرتاسر عالم است؛ اما بر خلاف نظر آنها، این حقیقت تحقق پیدا کرد. ۸۵/۰۳/۱۴ استقامت و مجاهدت امام خمینی در راه هدف در برابر خودی‌ها و غیر خودی‌ها از ویژگی‌های برجسته و ممتاز بود.

مقاومت با بصیرت و صبر

«آنچه امام بزرگوار و ملت شجاع ما را در راه این مبارزه‌ی بزرگ موفق کرد، بصیرت و صبر بود - مقاومتی همراه با بصیرت - همان‌طور که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

(و لا يحمل هذا العلم إلا اهل البصر والصبر) « ۷۰/۰۳/۱۴ » «امام مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحول کرد؛ امام بنیان‌گذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است» ۹۴/۳/۱۴ «امام البتّه یک فقیه بزرگ بود؛ هم یک فقیه برجسته و بزرگ بود، هم فیلسوف بود، هم صاحب نظر در عرفان نظری بود» ۹۴/۳/۱۴ «نه فقط در کشور خود بلکه در همه‌ی منطقه‌ی ما و در همه‌ی دنیای اسلام و به یک اعتبار در همه‌ی جهان. محصول این حرکت، یک محصول بی‌نظیر بود» ۹۴/۳/۱۴ «خصوصیت دیگر این مکتب فکری این بود که زنده و پویا و پر تحرک و عملیاتی بود» ۹۴/۳/۱۴ «قابل تحقق در میدان عمل بود؛ به همین دلیل هم به پیروزی رسید و پیش رفت؛ این حرکت، مسیر تاریخ کشور ما را عوض کرد» ۹۴/۳/۱۴

۴. منش تربیتی

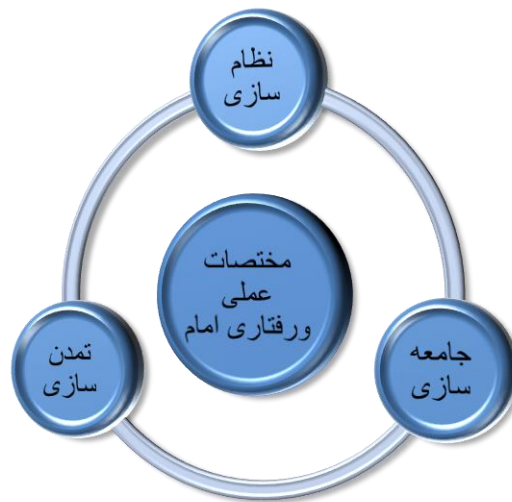
از ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فرد مکتب اخلاقی حضرت امام خمینی (علیه السلام) در عرصه تعلیم و تربیت، حضور برجسته‌ی عرفان و سیر و سلوک عارفانه در مواعظ و نصایح اخلاقی و تربیتی است. شالوده مکتب اخلاقی امام (علیه السلام) مبتنی بر سه عنصر «برهان، عرفان و قرآن» است که به تناسب ظرفیت و استعداد مخاطبان، مجموعه‌ای فاخر و گرانسنگ را پدید آورده است. بیان حقایق عرفانی در قالب برهان و تحلیل برهانی در محضر قرآن از ظرائف و لطایف مکتب اخلاقی و تربیتی ایشان است که توانسته است حداکثر تأثیرگذاری را در ذهن و جان مخاطب گذاشته و تحولی بنیادی و اساسی را در باطن وی ایجاد نماید. در روش اخلاقی تربیتی امام (علیه السلام) صرفاً سخن از یک سلسله فضایل اخلاقی مصطلح و استدلال خشک و الفاظ و مفاهیم ساختگی و بی روح و یا توصیه‌های اخلاق گرایانه متعصبانه نیست بلکه نظام اخلاقی و تربیتی ایشان در بُعد صوری و ساختاری مرکب از اجزایی چون شیوایی و رسایی، سادگی و روانی، لطف بیان و حُسن تعبیر، تنوع، پرهیز از درازگویی و ... در بُعد معنوی و محتوایی واجد ویژگی‌هایی چون راهبری و تأثیرگذاری بنیادی، واقع گرایی، نگاه جامع و کامل به دین و انسان، مخاطب شناسی و ... است؛ که در ادامه به برخی از ویژگی‌های صوری و

معنوی نظام عرفانی - اخلاقی معظم له به نحو اختصار اشاره می‌نماییم. (فاطمی بصیر، ۹۲، ش ۹۷)

در دیدگاه حضرت امام، یکی دیگر از موانع رشد و تعالی انسان که او را از تهذیب و تزکیه بازداشته و موجب هلاکت و خسران ابدی او می‌شود، انانیت‌ها و خودبینی‌هاست. از نظر ایشان تا این جبل انانیت باشد، رسیدن به ارزش‌های متعالی ناممکن بلکه محال است ایشان در کتاب‌های گرانسنگ خود مانند «ربیعین حدیث»، «آداب الصلاة»، «جهاد اکبر»، «اسرار الصلاة»، «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، توانسته‌اند مقامات و مراتب و درجات اهل سیر و سلوک و نیز آداب حضور قلب و اصول فضایل اخلاقی و ریشه‌ی بسیاری از ردایل نفسانی را با تبحر خاصی به رشته تحریر و نگارش درآورده‌اند. لازم به ذکر است تعالیم اخلاقی، تربیتی امام هیچگاه به بهانه سادگی و روانی، شیوایی و رسایی صوری و ساختاری، نه دچار ضعف و ذهن محتوایی و مضمونی شده و نه به خاطر دوری از ابهام و اجمال، به ورطه‌ی تکرار مکررات و شرح و بسط‌های ابتدایی غلطیده است.

ج) تحلیل ابعاد رفتاری امام خمینی و تاثیر آن در پیشروندگی انقلاب اسلامی ایران

امام با بینش و منش صحیح توانست در حیطه میدان و عمل نیز رفتارهای فوق العاده‌ای را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی پیاده سازی کند. از مولفه‌های مهم در حوزه رفتار و عمل امام خمینی رادر سه حوزه کلان "نظام سازی"، "جامعه سازی" و "تمدن سازی" می‌توان نام برد که نتیجه بینش و منش اکتسابی ایشان است. در ذیل به سازو کار رفتاری ایشان می‌پردازیم.



جدول شماره ۲- اقدامات امام خمینی در حوزه میدانی

| اقدامات میدانی | شاخص ۱ | شاخص ۲ | شاخص ۳ | شاخص ۴ | شاخص ۵ |
|----------------|---|--------------------------------|--------------------------------------|--|---|
| نظام سازی | برپایی نظام اسلامی | احیای فقه پویای حکومتی | احیای بعد سیاسی و اجتماعی اسلام | توام نمودن سیاست با معنویت | تلفیق سیاست و عقلانیت |
| جامعه سازی | هویت سازی با تاکید بر اسلامیت و مردم سالاری | هویت بخشی و شناخت استعداد مردم | به باور رساندن مردم در مالکیت انقلاب | ساخت درونی ملت با مسیریابی و مسیر سازی برای مردم | دمیدن روح عزت ملی |
| تمدن سازی | جهان شمول کردن نهضت | احیای هویت اسلامی مسلمانان | اصل گفتمان سازی آزادی جهانی | اصل گفتمان سازی عدالت اجتماعی جهانی | اصل سلطه ستیزی و عدم سلطه پذیری جامعه جهانی |

گام اول: نظام سازی

اولین گام و اقدام امام خمینی در حوزه کلان سیاست گذاری برپایی نظام جمهوری اسلامی می- باشد که از کارهای عظیم امام خمینی می-باشد «برپا کردن انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی. عظمت این انقلاب هم حاکی از عظمت امام بزرگوار ماست. ۸۷/۰۳/۱۴ امام جمهوری اسلامی را مظهر حاکمیت اسلام می-دانست. برای همین، امام جمهوری اسلامی را دنبال کرد، در راهش آن همه تلاش کرد و با آن شدت و حدت و اقتدار پای جمهوری اسلامی ایستاد. ۸۷/۰۳/۱۴

«فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار ما بود؛ مخصوص دوران جمهوری اسلامی نبود؛ منتها تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکان پذیر نبود» ۸۹/۰۳/۱۴

«نقشه‌ی امام، کار اصلی امام، بنای یک نظم مدنی - سیاسی براساس عقلانیت اسلامی بود؛» ۹۳/۰۳/۱۴

«نقشه‌ی امام، کار اصلی امام، بنای یک نظم مدنی - سیاسی براساس عقلانیت اسلامی بود؛ مقدمه‌ی لازم این کار، این بود که نظام پادشاهی - که هم فاسد بود، هم وابسته بود، هم دیکتاتور بود؛ این سه خصوصیت در نظام پادشاهی وجود داشت: هم دچار فساد بود، فسادهای گوناگون اخلاقی و مالی و غیره؛ هم وابسته‌ی به قدرتها بود، یک روز وابسته‌ی به انگلیس، یک روز وابسته‌ی به آمریکا، حاضر بود منافع خود را و کشور را در مقابل منافع بیگانگان فراموش کند؛ و هم دیکتاتور بود، مستبد بود، رأی مردم، خواست مردم برای نظام پادشاهی مطرح نبود؛ مسئله این است که آن خصوصیتی که نظام پادشاهی داشت باید ریشه کن میشد و امام بزرگوار ریشه کن کرد؛ سخنان امام،

رهنمودهای امام، رفتار امام همه در این جهت است» ۹۳/۰۳/۱۴

الزامات نظام سازی در منظومه رفتاری و عملی امام خمینی

«دو کار بزرگ و بی سابقه‌ی در تاریخ کشور ما به وسیله‌ی امام تحقق پیدا کرد؛ یکی برانداختن بنای سلطنت موروثی ظالمانه و غیر عاقلانه که چند هزار سال در کشور ما سابقه داشت. کار بزرگ دومی که امام بزرگوار انجام داد، ایجاد یک حکومت و نظامی بر اساس اسلام بود که این هم در تاریخ کشور ما بلکه بعد از صدر اسلام در تاریخ کل اسلام بی سابقه بود» ۹۴/۳/۱۴

اصول و ابتکاراتی که امام خمینی بکار گرفته‌اند تا نظام سازی به شکل صحیح و بر مبنای اصول عقلانی و اسلامی برپا شود:

۱. بازیابی وجوه سیاسی و اجتماعی اسلام
۲. تحول و نوآوری در فقه حکومتی
۳. توأم نمودن سیاست با معنویت
۴. تلفیق سیاست و عقلانیت در حوزه عمل (مردم سالاری، قانون اساسی، روابط بین الملل)

۵. بازیابی وجوه سیاسی و اجتماعی اسلام

با توجه به اینکه دین اسلام در بدو تولد تا اوج گیری خود با تاکید بر بعد سیاسی اجتماعی، مسیر پیشرفت و گسترش را در اقصی نقاط عالم طی نمود ولی به مرور با آمدن دولت‌های مستبد و ناکارآمد بعد از دوران طلایی این شاخص اصلی به مرور کمرنگ گردید و با جرعه انقلاب اسلامی و قیام امام خمینی بعد سیاسی اجتماعی اسلام با تکیه بر قدرت مردم بازیابی و احیاء گردید. "مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در سطح دنیای اسلام انجام داد، این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام را احیا کرد. از روزی که استعمار وارد کشورهای اسلامی شد، همه تلاش استعمارگران و سلطه‌گران این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام، عدالتخواهی، آزادیخواهی و استقلال طلبی اسلام را از اسلام حذف کنند." ۸۲/۰۳/۱۴

امام عظیم الشان ما در دنیای اسلام این را نشان داد که فقه اسلام (یعنی مقررات اداره زندگی مردم) در کنار فلسفه اسلام (یعنی تفکر روشن بینانه و عمیق و استدلالی) و عرفان اسلام (یعنی زهد و انقطاع الی الله و دامن برچیدن از هواهای نفسانی) چه معجزه بزرگی می‌تواند بیافریند. ۸۲/۰۳/۱۴

امام عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملت‌های اسلامی، تبلیغ می‌کردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جداست. ۸۲/۰۳/۱۴ تفکیک دین از دنیا به این معنی، یعنی خالی کردن زندگی و سیاست و اقتصاد از معنویت؛ یعنی نابود کردن عدالت و معنویت. دنیا به معنای فرصت‌های زندگی انسان، به معنای نعمت‌های پراکنده‌ی در عرصه‌ی جهان، به معنای زیبایی‌ها و شیرینی‌ها، تلخی‌ها و مصیبت‌ها، وسیله‌ی رشد و تکامل انسان است. ۸۴/۳/۱۴ امام در بیان ارتباط دین و دنیا، نظر اسلام و سخن اسلام را به عنوان مبنا و روح و اساس کار خود قرار داده بود. اسلام، دنیا را وسیله‌ای در دست انسان برای رسیدن به کمال می‌داند. ۸۴/۳/۱۴

۶. تحول و نوآوری در فقه حکومتی

نوع نگاه امام به فقه متفاوت از دیگر علما می‌باشد و بر وجه سیاسی و حکومتی فقه تاکید فراوانی دارند ایشان توانست نوع بدیعی از تحلیل واقعیت‌های سیاسی اجتماعی جامعه را با کمک فقه انجام دهند؛ «تفاوت فقه امام خمینی با سایر فقیهان، نه در روش استنباطی، بلکه در نوع نگاه متفاوتی است که امام به فقه دارد و بر اساس آن فقه شیعه را از قالب فقه فردی خارج کرده و حوزه وسیع‌تری از جامعه رابه آن اختصاص داده است که نگرش حکومتی به فقه داشتن و رفع نیازهای شئون حکومت از مهم‌ترین شاخصه‌های این مکتب محسوب می‌شود. در این مکتب اداره نظام اجتماعی مردم در کنار پاسخگویی به نیازهای فردی، محوریت داشته و هیچ شأنی از شئون مردم و جامعه در حوزه فقه فروگذار نشده است» ۱۳۷۶/۳/۱۴ «فقه شیعه را که به خاطر طول سالهایی که فقهای شیعه و خود گروه شیعه در دنیای اسلام، دسترسی به قدرت و حکومت نداشتند، و فقه شیعه، یک فقه غیر حکومتی، و فقه فردی بود، امام بزرگوار کشاند به سمت فقه حکومتی ... امام بزرگوار فقه شیعه را از دورانی که خود این بزرگوار در تبعید بودند، به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخگوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد، کشاندند» ۱۳۷۶/۳/۱۴ مظهر نوآوری علمی و تبحر در فقه و اصول او مظهر نوآوری علمی و تبحر در فقه و اصول بود. بنده قبل از ایشان استاد بزرگی را در مشهد دیده بودم یعنی مرحوم آیت الله میلانی که از فقهای برجسته بود. در قم هم همان وقت رئیس حوزه علمیه قم که استاد امام هم بود؛ یعنی مرحوم آیت الله بروجردی حضور داشت؛ بزرگان دیگری هم بودند؛ اما آن محفل درسی که دل‌های جوان و مشتاق و کوشا و علاقه‌مند به استعداد‌های خوب را

جذب می‌کرد، درس فقه و اصول امام بود. ۱۳۷۸/۳/۱۴ جوهر اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، رابطه‌ی دین و دنیا است؛ ۸۴/۳/۱۴

۷. توأم نمودن سیاست با معنویت در نظام سازی

مکتب سیاسی امام دارای شاخصهایی است. "یکی از این خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست؛ سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق. امام که تجسم مکتب سیاسی خود بود، سیاست و معنویت را با هم داشت و همین را دنبال می‌کرد؛ حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود" ۸۳/۰۳/۱۴

۸. سیاست و عقلانیت در حوزه عمل و رفتار

«چند نمونه از مظهر عقلانیت امام - گزینش مردم سالاری برای نظام سیاسی کشور است. نمونه‌ی دیگر از عقلانیت امام و تکیه‌ی او به خرد و هوشمندی، سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله‌ی با دشمن مهاجم. امام به دشمن اعتماد نکرد. یک مظهر دیگر عقلانیت امام، تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکائی در ملت بود. یک مظهر دیگر، تدوین قانون اساسی بود» ۹۰/۰۳/۱۴

عقلانیت در روابط بین الملل

امام خمینی عقلانیت را در روابط و سیاست خارجی به ظهور رساندند و اشاره می‌کنند که از لحاظ عقلی و شرعی ایجاب می‌کند که دولت و ملت ایران با کشورها رابطه داشته باشند «ما باید همان گونه که در زمان صدر اسلام، پیامبر سفیر به این طرف و آن طرف می‌فرستاد که روابط درست کند عمل کنیم، و نمی‌توانیم بنشینیم و بگوییم که با دولت‌ها چکار داریم. این برخلاف عقل و برخلاف شرع است، و ما باید همه با همه رابطه داشته باشیم، منتها چند تا استثنا می‌شود که الآن هم با آنها رابطه نداریم. اما این که با هیچ دولتی نباید رابطه داشته باشیم، هیچ عقل و هیچ انسانی آن را نمی‌پذیرد، چون معنایش شکست خوردن و فنا و مدفون شدن است تا آخر. و ما باید با ملت‌ها و دولت‌ها رابطه پیدا کنیم؛ آنها را که می‌توانیم ارشاد کنیم، با همین روابط ارشاد کنیم، و از آنها بی‌نیازی که نمی‌توانیم ارشاد کنیم، سیلی نخوریم. بنابراین، من به شما سفارش می‌کنم که در هر جا و در هر کشوری که هستید رابطه‌تان را محکم کنید و رفت و آمد داشته باشید چون وقتی که رئیس‌جمهور به چند

مملکت می‌رود ونخست وزیر و آقای دکتر ولایتی هم می‌روند - و حق ایشان است - می‌فهمند که ایران با دنیا رابطه دارد» (صحیفه ۱۹، ۷۲)

عقلانیت در سیاست داخلی و اصول سیاست خارجی امام

«در سیاست داخلی، اصول امام عبارت است از تکیه به رأی مردم؛ تأمین اتحاد و یکپارچگی ملت؛ مردمی بودن و غیر اشرافی بودن حکمرانان و زمامداران؛ دلبسته بودن مسئولان به مصالح ملت؛ کار و تلاش همگانی برای پیشرفت کشور. در سیاست خارجی، اصول امام عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاستهای مداخله‌گر و سلطه طلب؛ برادری با ملت‌های مسلمان؛ ارتباط برابر با همه‌ی کشورها، بجز کشورهایی که تیغ را بر روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی میکنند؛ مبارزه‌ی با صهیونیسم؛ مبارزه برای آزادی کشور فلسطین؛ کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان» ۹۲/۰۳/۱۴

گام دوم: جامعه سازی (هویت بخشی به جامعه)

الزامات و مقدمات جامعه سازی در عمل و رفتار امام خمینی

امام خمینی در حیطه جامعه سازی، موانعی که در این مسیر وجود دارد شناسایی کرده و با بهبود این شاخص‌ها به ساخت جامعه اسلامی کمک نموده است. در ذیل مراحل شروع فرآیند هویت بخشی به جامعه ایرانی توسط امام خمینی را در چهار مرحله توضیح خواهیم داد.

مرحله اول: شناخت استعداد های اجتماعی سیاسی مردم و هویت بخشی به آنان

مرحله دوم: به باور رساندن مردم در تغییر تحولات سیاسی اجتماعی

مرحله سوم: انقلاب و کشور را تحت مالکیت مردم درآوردن (تحویل انقلاب به مردم پس از پیروزی)

مرحله چهارم: ساخت درونی ملت با مسیریابی و مسیر سازی برای مردم. (شناساندن ماهیت واقعی

ابرقدرت‌ها، ضدیت با سلطه گرایی، دمیدن روح عزت ملی)

مرحله اول: شناخت استعداد های اجتماعی سیاسی مردم و هویت بخشی به آنان با محوریت مردم

سالاری

رهبران سیاسی می‌توانند آگاهی لازم را به لایه‌های جامعه در جهت هویت سازی و هویت بخشی به آن ملت تزریق نمایند. اما در بسیاری از جوامع این مسئله یا انجام نگرفته است یا اینکه به صورت ناقص و در جهت اهداف مشخصی سوق داده شده است. این خصوصیت در رفتار امام خمینی به

صورت بسیار منطقی نمود پیدا کرد. امام به عنوان یک اسلام شناس، ارزش و نقش مردم را در تعالی نظام و جامعه درک کرده و آن را در عرصه عمل به طور ماهرانه‌ای به کار بست و مردم را نیز از این نتایج و برکات آگاه نمود. «در حقیقت امام بزرگوار ما در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردند، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگاه داشتند: یک پرچم عبارت است از پرچم احیاء اسلام؛ به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتنهای. پرچم دوم، پرچم عزت و سربلندی ایران و ایرانی. ۸۸/۰۳/۱۴ «اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛ این از جمله‌ی خطوط اصلی حرکت امام است. ۹۴/۳/۱۴» یکی دیگر از خطوط اصلی خط امام، نقش مردم است؛ «۸۹/۰۳/۱۴»

مرحله دوم: به باور رساندن مردم در تعیین سرنوشت و تغییر تحولات سیاسی اجتماعی

عموما انقلاب‌های دنیا با حرکت‌ها و جهت‌دهی‌های رهبران سیاسی توأم با همسو نمودن برخی از گروه‌ها و یا مردم می‌باشد اما اینکه تا چه حد مردم در این پیروزی‌ها نقش دارند و اینکه مردم با چه انگیزه‌ای برای انقلاب بیا می‌خیزند جای سوال دارد؛ رهبران سیاسی نیز با چه هدفی مردم و گروه‌ها و احزاب را به سمت انقلاب سوق می‌دهند؟ آیا نقش مردم پس از پیروزی نیز در عرصه سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب محفوظ می‌ماند. در نظریات جامعه شناسی در علل انقلاب‌ها و لایه‌های مردمی انقلاب با ایدئولوژی‌های گوناگون بحث شده است. اما آنچه با ایدئولوژی اسلامی در عرصه انقلاب‌ها، حرکت‌ها، جنبش‌ها و مبارزات مردمی آشکار گردیده است نقش مردم و آگاهی بخشی به مردم است که نمونه عملی آن را هم در صدر اسلام می‌توان با حرکت پیامبر گرامی اسلام در دعوت به اسلام و گسترش آن مشاهده کرد و هم در تاریخ ایران معاصر با حرکت امام خمینی در مردمی کردن مبارزه و بها دادن و آگاه نمودن مردم مشاهده نمود. «محور همه اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه می‌شد: اسلام و مردم. اعتقاد به مردم را هم امام بزرگوار ما از اسلام گرفت. اسلام است که روی حق ملت‌ها، اهمیت رای ملت‌ها و تاثیر جهاد و حضور آنها تاکید می‌کند؛ لذا امام بزرگوار محور کار را اسلام و مردم قرار داد؛ عظمت اسلام، عظمت مردم؛ اقتدار اسلام، اقتدار مردم؛ شکست ناپذیری اسلام، شکست ناپذیری مردم» ۸۲/۰۳/۱۴

«حرکت امام، درس بزرگ امام، خدمت بزرگ امام به این ملت و به ملت‌های دیگر این بود که عکس این را ثابت کرد، به مردم گفت می‌توانید و قدرت دارید، قدرت در دست شما و متعلق به شماست، فقط باید این قدرت را اعمال کنید، باید اراده کنید، باید تصمیم بگیرید، باید خواص و اثرگذاران در ذهن مردم وارد میدان بشوند و مردم باید آماده‌ی فداکاری باشند، در آن صورت همه

کار خواهد شد و همه‌ی موفقیت‌ها به دست خواهد آمد، و خود او اول کسی بود که وارد میدان شد. با ورود او به میدان، خواص آمدند، علما آمدند، روشنفکران آمدند، طلاب آمدند، دانشجویان آمدند، طبقات گوناگون مردم آمدند و در مدت چند سال، همه‌ی قشرها بتدریج به این نهضت عظیم پیوستند و در نتیجه، آن قدرت سیاسی و نظامی و تبلیغاتی که در مقابل این نیروی عظیم مردمی قرار داشت، نتوانست مقاومت کند. نیروی ایمان، نیروی اراده، نیروی رهبری حکیمانه، نیروی استقامت و صبر و پایداری، نه فقط بر قدرت رژیم طاغوت فائق آمد، بلکه بر قدرت آمریکا هم که پشت سر او بود، فائق آمد» ۷۹/۳/۱۴

«امام جمهوری اسلامی را در مقابل این طاغوتهای بشری به وجود آورد؛ اسلام را - که در دل اسلامیت، تکیه‌ی به مردم و رأی مردم و خواست مردم وجود دارد - معیار اصلی این نظام قرار داد» ۸۹/۰۳/۱۴

مرحله سوم : انقلاب و کشور را تحت مالکیت مردم درآوردن (تحویل انقلاب به مردم پس از پیروزی)

از لازمه‌های هویت بخشی به مردم و جامعه این است که رهبر سیاسی و سیاست گذاران نظام‌های سیاسی، مردم را در مسائل و امور و اداره آن جامعه دخیل نمایند و این را در صحنه عمل نیز نشان دهند. امام به نقش مردم در حفظ پایه‌های نظام سیاسی پی برد و به آن جامه عمل پوشانید. آنچه که صداقت و راستین بودن رفتار و عمل امام خمینی را با مردم نشان می‌دهد این است که ایشان بعد از پیروزی انقلاب، آن را نتیجه و حاصل کار مردم می‌داند و در صحنه عمل، دخالت در تمام شئونات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به دست مردم می‌سپارد و مردم را مالک این انقلاب می‌داند و آنها را نیز به همین باور رساند «نکته‌ی اول این است که امام در وصیتنامه‌شان تأکید می‌کنند که این انقلاب یک انقلاب الهی است و پایه‌ی اصلی آن مردمند؛ یعنی این انقلاب متعلق به مردم است. معنای این حرف این است که هیچ کس - هیچ قشری، هیچ فردی، هیچ طبقه‌ای - نمیتواند و نباید ادعای مالکیت این انقلاب را بکند؛ خود را مالک بداند، دیگران را مستأجر این انقلاب بداند» ۸۷/۰۳/۱۴ «از جمله‌ی مسائلی که مظهر عقلانیت امام بزرگوار بود، این بود که ایشان به مردم تفهیم کرد که آنها صاحب و مالک این کشورند» ۹۰/۰۳/۱۴ «یکی دیگر از ویژگی‌های مردمی بودن انقلاب بهره برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور می‌باشد» ۸۰/۳/۱۴

مرحله چهارم: ساخت درونی ملت با مسیریابی و مسیر سازی برای مردم (شناساندن ماهیت واقعی ابرقدرت‌ها، ضدیت با سلطه گرایی، دمیدن روح عزت ملی)

امام خمینی با احیای دو بعد از هویت یعنی هویت ایرانی و هویت اسلامی به استحکام ساخت درونی نظام کمک کرد، امام با تکرار این ادبیات و روشنگری و تبیین مسیر انقلاب و شناسایی آسیب‌های پیش رو و ارائه یک نقشه جامع و کامل از مسیر انقلاب به استحکام سازی بنای سیاسی اجتماعی کشور پرداخت «وقتی ادبیات انقلابی امام را ملاحظه می‌کنید، می‌بینید تکیه‌ی اصلی بر روی ساخت درونی ملت است؛ احیای روح عزت، نه با تفاخر، نه با غرور، نه با به خودبستن، بلکه با استحکام ساخت درونی» ۹۱/۰۳/۱۴ «مطلب دیگر این است که امام بزرگوار ما توانست یک هویت جدیدی را در دنیای پر آشوب سیاست، در این منطقه به وجود بیاورد و آن، هویت جمهوری اسلامی و ملت زنده‌ی ایران است که توانستند این جمهوری را ایجاد کنند و از آن پاسداری کنند. این، یک هویت اسلامی و یک هویت ملی است و این هویت، مخصوص ملت ایران هم نیست» ۸۶/۰۳/۱۴ «هویت اسلامی، متعلق به همه‌ی امت‌های اسلام است. امام بزرگوار ما با همت ملت ایران توانست این هویت را ایجاد کند و آن را زنده کند» ۸۶/۰۳/۱۴ «امام ابرقدرت‌ها را خوب شناخته بود؛ با قدرتهای سلطه‌گر و تجاوزگر نمی‌شود با التماس حرف زد» ۸۶/۰۳/۱۴

در حالی که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی صد سال - تقریباً - علیه اسلام و علیه روحانیت تبلیغ کردند و تلاش کردند و در حالی که پنجاه سال یک رژیم وابسته‌ای در این کشور منافع ملت ایران را در مقابل دشمنان و بیگانگان قربانی کرد و کشور را به طور کامل وابسته‌ی به اجانب قرار داد - رژیم پهلوی - امام بزرگوار با پرچم اسلام، با پرچم ضدیت با سلطه و سلطه گرایی در این کشور قیام کرد و این کار بزرگ را به ثمر رساند. ۸۷/۰۳/۱۴

در مکتب فکری امام، ضدیت با استبداد و ضدیت با استکبار حرف اول را می‌زند؛ این آن چیزی است که ملت ایران هم آن را حس می‌کرد، ملت‌های مسلمان دیگر بلکه ملت‌های غیر مسلمان [هم] آن را حس کردند؛ برای همین این دعوت گسترش پیدا کرد. ۹۴/۳/۱۴ «آن عقلانیتی که در مکتب امام بزرگوار ما هست، اقتضاء نمی‌کند که ما از خدعه‌ی دشمن غافل شویم، از کید او غافل شویم، از نقشه‌ی عمیق او غافل شویم، به او اعتماد کنیم، در مقابل او کوتاه بیائیم. هر چه که انسان در مقابل دشمن کوتاه بیاید، پشتوانه‌ی عظیم معنوی در درون کشور و درون ملت را از دست خواهد داد» ۹۰/۰۳/۱۴ «مکتب سیاسی امام نمیتواند از شخصیت پُر جاذبه‌ی امام جدا شود. راز موفقیت امام در مکتبی است که عرضه کرد و توانست آن را به طور مجسم و به صورت یک نظام، در مقابل چشم

مردم جهان قرار دهد» ۸۳/۰۳/۱۴

دمیدن روح عزت ملی

«یکی از خطوط اصلی در سیره‌ی امام و منش امام که امروز به آن می‌پردازیم و درباره‌ی آن قدری بحث میکنیم، دمیدن روح عزت ملی در کالبد کشور است. بحث درباره‌ی این حرکت عظیم امام که عزت ملی را در کشور ما و ملت ما زنده کرد، یک بحث متکی به واقعیات جامعه است؛ یک بحث صرفاً ذهنی نیست. عزت یعنی چه؟ عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله‌ی با دشمن، در مقابله‌ی با موانع، دارای اقتدار میکند و بر چالشها غلبه میبخشد» ۹۱/۰۳/۱۴ «ملت ما با احساس عزتی که از درسهای انقلاب و امام آموخت، توانست خود را کشف کند. ملت، خود را کشف کرد، تواناییهای خود را کشف کرد» ۹۱/۰۳/۱۴ «وجه دوم مربوط به عزت ایران و ایرانی است. اولین کار و مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در این بخش دوم انجام داد، این بود که احساس حقارت را از ملت ایران گرفت و از روح آنها زدود؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است» ۸۸/۰۳/۱۴

انقلاب کبیر اسلامی بکلی جهت را عوض کرد و ورق را برگرداند. همت امام - که رهبر این انقلاب و زمامدار این انقلاب و پیشوای این انقلاب بود - بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در این مردم احیاء کند؛ عزت آنها را به آنها برگرداند. ۹۱/۰۳/۱۴ «شاخص دوم، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است؛ هم کرامت انسان، هم تعیین کننده بودن اراده انسان. در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است» ۸۳/۰۳/۱۴ «مردم سالاری در مکتب سیاسی امام بزرگوار ما - که از متن اسلام گرفته شده است - مردم سالاری حقیقی است؛ مثل مردم سالاری امریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهنهای مردم نیست» ۸۳/۰۳/۱۴

گام سوم: تمدن سازی

سومین اقدام رفتاری و عملی امام، ایجاد تمدن اسلامی در سطح جهانی و بین المللی و گسترش آن است که از آن به تمدن سازی نام می‌بریم. که برای رسیدن به این هدف نیاز به مولفه‌ها و مقدماتی است که در ذیل به بیان آنها می‌پردازیم. همه‌ی مکاتب سیاسی و عقیدتی دنیا چه اسلامی و چه غیر اسلامی برای گسترش مبانی ایدئولوژیکی خود در سطح جهانی، تلاش می‌کنند. لذا هرچه مبانی عقیدتی و ایدئولوژیکی مکاتب دارای انسجام منطقی و صحیح باشد می‌تواند به گسترش سیستم

فکری آن مکتب کمک بیشتری کند. چه بسیاری از مکاتب دنیا که مبنای خود را به جوامع و ملت‌ها تزریق نموده‌اند ولی به دلیل نواقص-شان، موجب پدید آمدن مشکلات و مسائل زیادی برای جامعه بشری شدند. به نظر می‌رسد هر مکتب باید مسئولیت عواقب صدور مبنای خود در سطح بین الملل و جهانی را به دوش بکشد. مبنای صحیح می‌تواند جامعه بشری را نجات دهد و مبنای غلط و نادرست نیز می‌تواند جامعه-ای را به تباهی بکشانند همانطور که در عصر حاضر مکاتبی همچون لیبرالیسم و مارکسیسم نتوانسته‌اند پاسخگوی نیاز های مادی و معنوی بشر باشند بلکه به بحران-های اجتماعی سیاسی و فرهنگی بیشتری برای بشریت به بار آورده‌اند. امام خمینی با درک روشن خود از مکتب اسلام، توانست به صورت فزاینده-ای به گسترش نفوذ اسلام در جهان، ایفای نقش نماید. علل اصلی استقبال و پذیرش اسلام توسط ملت-ها و جوامع محتوا و ماهیت مکتب اسلام است که بدنبال احیای ارزش‌های انسانی و اصول آزادی، عدل و پیشرفت مادی و معنوی است.

الزامات امام خمینی در تمدن سازی

۱. جهانی کردن و جهان شمولی نهضت
۲. احیای هویت اسلامی مسلمانان در جهان و گسترش اسلام
۳. اصل گفتمان سازی آزادی در جهان
۴. اصل گفتمان سازی عدالت اجتماعی در جهان
۵. اصل سلطه ستیزی و عدم سلطه پذیری جامعه جهانی

۱. جهان شمولی نهضت امام خمینی

در بررسی رفتار عملی امام در حوزه تمدن سازی این نکته را باید مورد توجه قرار داد که امام نفوذ مبنای ایدئولوژیکی اسلام را در سطح ملی و منحصر در جمهوری اسلامی ایران محدود نکرد و افق توسعه پذیری اسلامی را به مرز های خارج از کشور گسترش داد به طوری که در سطح جامعه جهانی نمود پیدا کرد. تحقق این هدف را نیز با تقویت پیش و منش اسلامی به اجرا در آورد و این هدف جز با معنویت، عقلانیت، علم میسر نبود که امام خمینی همه این مولفه را یکجا دارا بود به طوری که نفوذ افکار امام به صورت تجربی در بین جوامع جهانی مشهود و ملموس است

«یک نقطه‌ی دیگر از نقاط روشن خط امام، جهانی بودن نهضت است. امام نهضت را جهانی میدانست و این انقلاب را متعلق به همه-ی ملت‌های مسلمان، بلکه غیر مسلمان معرفی می‌کرد»

۲. احیای هویت اسلامی مسلمانان در جهان و گسترش انقلاب

یقیناً هر مکتبی جهت نفوذ و گسترش، نیاز به ابزار و لوازمی دارد که یکی از این لوازم، یکپارچگی و انسجام درونی طرفداران آن مکتب در جای جای جهان می‌باشد. مکتب اسلام نیز به نوبه‌ی خود مانند ادیان دیگر توسط جوامع و ملت‌های اقصی نقاط جهان مورد پذیرش و استقبال قرار گرفت ولی با شروع انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی بار دیگر ملت‌ها و جوامع اسلامی با تاثیر پذیری از انقلاب اسلامی توانسته‌اند تجدید حیات دوباره‌ای انجام داده و به هویت واقعی و اصلی خود برگردند «پیام بزرگ و مهم انقلاب ما برای امت اسلامی و جوامع و ملت‌های مسلمان، عبارت از «احیای هویت اسلامی، بازگشت به اسلام، بیداری مسلمانان و بازگشت به نهضت اسلامی است. این، پیام بزرگ انقلاب ما به ملت‌های مسلمان است که امام و پیشوای بزرگ این راه و معلم بزرگ این خط و مکتب بود» ۷۴/۳/۱۴ «در بعد اول که برافراشتن پرچم اسلام بود، این موجب شد که مسلمانان در همه‌ی جای دنیا احساس هویت کردند؛ احساس شخصیت کردند. بعد از آنی که در طول سال‌های متمادی کوشش شده بود که هویت اسلامی خرد شود، له شود، وقتی این انقلاب به وجود آمد، وقتی قامت برافراشته‌ی امام بزرگوار ما در منظر مردم مسلمان عالم پدیدار شد، همه احساس کردند که یک هویتی، یک شخصیتی، یک اصالتی پیدا کرده‌اند. همین موجب شد که در شرق و غرب دنیای اسلام نشانه‌های بیداری مسلمانان پدیدار بشود» ۸۸/۰۳/۱۴ «نکته‌ی بعدی این است که امام در وصیت‌نامه اعلام میکند که این انقلاب گسترش خواهد یافت؛ دست استعمارگران را از جهان اسلام کوتاه خواهد کرد. این پیشگویی امام بزرگوار است» ۸۷/۰۳/۱۴ «مکتب سیاسی امام، نگاه بین‌المللی و جهانی این مکتب است.» ۸۳/۰۳/۱۴ «وجهه اول، مربوط به کشور و ملت ایران است. هدف انقلاب در درجه اول این بود که نظامی در داخل کشور به وجود بیاورد که وابسته نباشد؛ بلکه مستقل باشد. وابستگی برای یک کشور و ملت، آفت بزرگی است و همه آفت‌های دیگر، بر آن مترتب می‌شود.» ۷۴/۳/۱۴ «وجهه جهانی و بین‌المللی انقلاب، عبارت از پیام معنویت در سطح جهان است. دنیا غرق در مادیت است. دست‌های سردمداران و شبکه‌های اختاپوسی مادی، از یکی دو قرن پیش، دنیا را به سوی مادیگری سوق داده و ملت‌ها را در منجلاب مادیگری غرق کرده است.» ۷۴/۳/۱۴

۳. اصل ایجاد آزادی در جهان

آزادی از نعمت‌های بزرگ الهی است که به هر انسان و جامعه‌ای هدیه داده شده است آزادی در هر مکتبی دارای تعریف خاصی است که هر یک از منظری به آن نگریسته‌اند. در اسلام بر آزادی افراد و جوامع تاکید زیادی شده است. برداشت اسلام از آزادی در قالب صحیح و چارچوب ارزش‌های انسانی

می-باشد که نه به فرد خدشه‌ای وارد می‌کند و نه به اجتماع. اما در عصر حاضر و همچنین قرون تاریخی، سلب آزادی از جوامع به عنوان یک اهرم و ابزار فشاری بر طبقات جامعه و برای منفعت قدرتمندان و طالبان زر و زور بوده است. اما محور حرکت امام در بعد بینشی و دانشی حذف سیطره سرمایه‌داران و کاخ نشینان بر مستضعفان و کوخ نشینان بوده است. «از جمله خصوصیات دیگر عصر جدیدی که امام بزرگوار و انقلاب ما در سطح جهان به وجود آوردند، عبارت از اصل آزادی از سلطه و تصرف و نفوذ قدرتهای بزرگ است؛ یعنی همان چیزی که در انقلاب ما، به عنوان اصل (نه شرقی و نه غربی) شناخته شد» ۶۹/۰۳/۱۴ «قدرتهای مادی دنیا، چه بخواهند و چه نخواهند؛ امریکا چه بخواهد و چه نخواهد، این دوران در دنیا آغاز شده و پیش هم رفته است و تأثیرات این عصر جدید، روی ملتها و دولتهای ضعیف و نیز روی دولتهای قوی و ابرقدرتها محسوس است» ۶۹/۰۳/۱۴ «اصول مستحکمی - عدالت آزادی و استقلال معنویت و اخلاق را، این انقلاب، ترکیبی از عدالتخواهی و آزادیخواهی و مردم سالاری و معنویت و اخلاق است» ۸۱/۰۳/۱۴ «امام بزرگوار با پرچم هدایت اسلامی آمد؛ لذا اصول امام، اصول اسلامی است؛ عدالت امام، عدالت اسلامی است؛ مردم سالاری امام، مردم سالاری اسلامی است» ۸۱/۰۳/۱۴ «در مورد مردم، مهمترین کاری که امام کردند، این بود که مفهوم مردم سالاری را از چیزی که طراحان دموکراسی غربی و عوامل آنها در صحنه‌های عملی می‌خواستند نشان بدهند، بکلی دور کردند» ۸۲/۰۳/۱۴ «سعی آنها این بود که این طور القا کنند که مردم سالاری با دین سالاری و دینداری سازگار نیست. امام این مفهوم باطل را زایل کرد و مردم سالاری دینی - یعنی همان جمهوری اسلامی - را در دنیا مطرح کرد. او به زبان هم اکتفا نکرد؛ صرفاً استدلال فکری هم نکرد؛ عملاً این را نشان داد» ۸۲/۰۳/۱۴

۴. عدالت اجتماعی در جهت پیشرفت مادی و اخروی برای بشریت

بشریت تا کنون در همه‌ی برهه‌ها نیازمند عدالت و تقسیم عادلانه امکانات و منافع بین تمام اقشار جامعه بوده است ولی این اصل هنوز جامعه عمل پوشانده نشد. عدالت اجتماعی هدفی است که هنوز به صورت واقعی توسط سیاستمداران به اجرا گذاشته نشده است چون درک واقعی از فهم این واژه و نتایج و برکات آن نرسیده‌اند. ابتدا درک معنای عدالت و فهم لایه‌های درونی این واژه بسیار دارای اهمیت است. هر مکتب و ایدئولوژی به تعریف مولفه‌های عدالت پرداخته است. یقیناً اگر در فهم عدالت و در بخش دانشی و بینشی عدالت دچار خطا شویم بالطبع در اجرایی و عملی شدن آن در جامعه نیز دچار اشتباه خواهیم شد. اما امام خمینی با کسب مهارت‌های علمی و فقهی به فهم دقیقی از این واژه رسیده بود و در بعد رفتاری نیز برای تحقق آن تلاش و ایستادگی کرد زیرا یکی

مهم‌ترین شروط برپایی عدالت در جوامع مجاهدت و ایستادگی در عملی کردن آن در جامعه است. زیرا اصل عدالت در تقابل منافع و غرایز سرمایه داران خواهد بود. «آخرین نکته که به عنوان شاخصه مکتب سیاسی امام عرض می‌کنم، مسئله عدالت اجتماعی است» ۸۳/۰۳/۱۴ «امام به طور دایم بر حقوق مستضعفان و محرومان و پابرهنگان تکیه می‌کردند» ۸۰/۳/۱۴

«نکته‌ی سوم که در وصیت‌نامه‌ی امام بارز است و در بیانات امام در طول این ده سال حیات پربرکتش منتشر و گسترده است و برای ملت و جوانان ما اهمیت دارد، این است که انقلاب اسلامی کمک به پیشرفت ملت است؛ انقلاب اسلامی کمک به خلاقیت و نوآوری ملت است» ۸۷/۰۳/۱۴ «راه امام، راه ایمان و راه عدالت و راه پیشرفت مادی و راه عزت است» ۸۴/۳/۱۴

«نکته‌ی چهارم در بُعد مسائل داخلی کشور؛ امام طرف‌دار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد می‌کرد؛ اشرافیگری را با تلخی رد می‌کرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرف‌دار عدالت اجتماعی بود؛ طرف‌داری از مستضعفان شاید یکی از پر تکرارترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیاناتشان گفتند؛ این یکی از خطوط روشن امام است» ۹۴/۳/۱۴

«پیام دیگر انقلاب، «عدالت» است. در دنیا هر جا که ندای عدالتخواهی بلند شده است، این انقلاب آن جا را با خود و از خود و متناسب با خود یافته است و با حقجویان و عدالتخواهان عالم، همراهی کرده است. بسیاری از عدالتخواهان، آزادیخواهان و مبارزان با ظلم و تبعیض در شرق و غرب و قاره‌های پنجگانه عالم، می‌گویند «ما از انقلاب شما این درس را آموختیم» و راست می‌گویند. این هم یک پیام است؛ پیام عدالتخواهی» ۷۴/۳/۱۴ «امام حقایق فراموش شده اسلام را احیا کرد؛ عدالتخواهی اسلام را سر دست بلند کرد؛ ضدیت اسلام را با تبعیض و اختلاف طبقاتی و اشرافیتها علنی کرد» ۸۲/۰۳/۱۴

۴. اصل سلطه ستیزی و عدم سلطه پذیری جامعه جهانی

«نظام سلطه» در این دوران، به سیستم و مجموعه‌ای از دولت‌ها اطلاق می‌شود که با شیوه سلطه-جویی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بر دیگر کشورها، حقوق و منافع آنان را نادیده گرفته و منافع خود را ترجیح می‌دهند. هدف نظام سلطه این است که از طریق ایدئولوژی حاکم، و ترجیح منافع، بر مداخله در امور دیگر کشورها حقانیت داده شود. در نظام سلطه، مسائل جهانی با توجه به منافع ملی قدرت‌های بزرگ طبقه‌بندی می‌شود. مشروع ساختن منافع آنان به هر غیمتی | دانشیارمقالات همایش نظریه‌بیداری اسلامی | در این میان نقش امام خمینی رحمته‌الله علیه، به عنوان نظریه پرداز و احیاگر تفکر دینی از انظار دور نماند به اعتقاد و اعتراف بسیاری از اندیشمندان و شرق شناسان، اسلام شناسان و جامعه

شناسان غربی، ایشان بزرگ‌ترین احیاگر تفکر و ارزش‌های اسلامی می‌باشند که آنچه را اصلاح‌گران، تجدیدگرایان و بیدارگرایان اسلامی از قرن ۱۹ میلادی تا زمان آغاز نهضت در ایران صرفاً به عنوان یک آرمان تبلیغ می‌کردند، امام خمینی رحمته‌الله در صحنه عمل پیاده کرد (همان)، «عامل مهم تسلیم ناپذیری و ایستادگی ملت ایران در راه پُر افتخار خود، فلسفه‌ی سیاسی و مکتب سیاسی امام است، که ملت ما از بن دندان به آن اعتقاد دارند» ۸۳/۰۳/۱۴ «امام بزرگوار با مکتب سیاسی خود بود که توانست دست غارتگران را از این کشور کوتاه کند» ۸۳/۰۳/۱۴ «روزی به امام گفتند: «اگر این راه را ادامه دهید، ممکن است همه‌ی علمای بزرگ مراجع را علیه شما بشورانند و تحریک کنند». یعنی اخلاف در عالم اسلام پیش آید». پای خیلی کسان، این جا می‌لرزد. اما پای امام نلرزد و راه را ادامه داد تا به نقطه‌ی پیروزی انقلاب رسید. بارها به امام گفته شد: «شما ملت ایران را به ایستادگی در مقابل رژیم پهلوی تشویق می‌کنید. جواب خونهایی را که بر زمین می‌ریزد چه کسی می‌دهد؟» یعنی در مقابل امام، خونها را - خونهای جوانان را - قرار دادند. یکی از علمای بزرگ، در سال ۴۲ یا ۴۳، به خود بنده این مطلب را گفت. گفت: «در ۱۵ خرداد که ایشان - یعنی امام - این حرکت را کردند، خیلی کسان کشته شدند که بهترین جوانان ما بودند. جواب اینها را چه کسی خواهد داد؟ این طرز فکرها بود. این طرز فکرها فشار می‌آورد و ممکن بود هر کسی را از ادامه‌ی حرکت منصرف کند. اما امام، استقامت ورزید. عظمت روح او و عظمت بصیرتی که بر او حاکم بود، در این جاها دیده می‌شد»

۷۵/۰۳/۱۴

نتیجه گیری

با توجه به عنوان مقاله نتایج حاصله از این تحقیق در محورهای ذیل دسته بندی شده است. یکی از روش‌های کاربردی برای شناخت ابعاد شخصیتی امام خمینی، بررسی مولفه‌های بینشی، منشی و رفتاری ایشان است. مختصات بینشی امام خمینی شامل معیارهای همچون توحید محوری، عقل‌مداری و علم‌گرایی است.

مختصات منشی امام شامل منش عرفانی، منش اخلاقی، منش تربیتی و قاطعیت، مجاهدت، سختی‌پذیری و ویژگی‌های روحی معنوی ایشان است.

مولفه‌های مهم در حوزه رفتار و عمل امام خمینی رادر سه حوزه کلان "نظام‌سازی"، "جامعه‌سازی" و "تمدن‌سازی" می‌توان نام برد که حاصل بینش و منش ایشان است. که به شرح ذیل

است:

- اقدامات در حوزه نظام سازی: بازایی وجوه سیاسی و اجتماعی اسلام، تحول و نوآوری در فقه حکومتی، توأم نمودن سیاست با معنویت، تلفیق سیاست و عقلانیت با معنویت از مولفه‌های اصلی اقدامات ایشان است.
 - اقدامات در حوزه جامعه سازی: مرحله اول: شناخت استعداد های اجتماعی سیاسی مردم و هویت بخشی به آنان، مرحله دوم: به باور رساندن مردم در تغییر تحولات سیاسی اجتماعی، مرحله سوم: انقلاب و کشور را تحت مالکیت مردم درآوردن (تحویل انقلاب به مردم پس از پیروزی)، مرحله چهارم: ساخت درونی ملت با مسیریابی و مسیر سازی جهت تثبیت و پیشبرد انقلاب. (شناساندن ماهیت واقعی ابرقدرت‌ها، ضدیت با سلطه گرایی، دمیدن روح عزت ملی)
 - اقدامات در حوزه تمدن سازی: جهانی کردن نهضت امام خمینی، احیای هویت اسلامی مسلمانان در جهان و گسترش اسلام، اصل گفتمان سازی آزادی در جهان، اصل گفتمان سازی عدالت اجتماعی در جهان، اصل سلطه ستیزی و عدم سلطه پذیری جامعه جهانی
۱. بهره‌گیری امام خمینی از اصول و شاخصهای انسانی و ارزشی مانند معنویت، عقلانیت و علم موجب تعالی سازی سیاست و اجتماع جامعه ایرانی بوده است.
 ۲. درهم تنیدگی و بهره‌گیری بینش، منش و رفتار ارزشی و منطقی ایشان موجب پیشروندگی انقلاب اسلامی در حوزه نظام سازی و تمدن سازی اسلامی شده است.

ب) ضرورت شناخت ابعاد شخصیتی امام خمینی به عنوان پیش شرط در پیشروندگی انقلاب اسلامی

۱. ترسیم نقشه کامل انقلاب توسط ایشان صورت گرفت و شاخص سازی و محور سازی اندیشه او در رسیدن به اهداف نظام سیاسی و انقلاب اسلامی بسیار موثر واقع خواهد شد.
۲. یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت می‌رساند.
۳. امام را نباید صرفاً به عنوان یک شخصیت محترم تاریخی مورد توجه قرار داد بلکه اصول ایشان در عرصه‌های استقلال سیاسی، خودباوری ملی، خودباوری فرهنگی، ایمان عمیق، شجاعت ملت و مسئولان در مقابل تهدیدهای دشمن باید در تصمیمات و سیاست گذاری‌ها به عنوان یک مبنا و پایه قرار گیرد.
۴. بر مبنای بیانات حضرت ایت الله خامنه‌ای هنر بزرگ امام این بود که چارچوب محکمی را برای این انقلاب به وجود آورد و نگذاشت این انقلاب در هاضمه‌ی قدرتها و جریانهای سیاسی مسلط

منابع

۱. قرآن کریم

۲. جمشیدیه‌ها غلامرضا، پرستش شهرام، *دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی یر بوردی*، دو فصلنامه مطالعات جامعه شناختی، شماره ۳۰

۳. جوادی آملی، *آوای توحید*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲

۴. دانشیار علیرضا، *مقالات همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی ره و آیت الله*

خامنه‌ای

۵. شاملو، سعید؛ *مکاتب و نظریه‌ها در روان شناسی شخصیت*، تهران، رشد، ۱۳۸۲، چاپ هفتم

۶. شرفی، حسین، *قرآن و اخلاق از منظر امام خمینی پژوهش‌های قرآنی* ۱۳۷۸ شماره ۱۹ و ۲۰ ویژه نامه امام خمینی

۷. *صحیفه امام خمینی* جلد ۱۸ و ۱۹

۸. طباطبایی، *تفسیر المیزان، ترجمه‌ی موسوی*، ۱۳۷۴ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲

۹. فاطمی بصیرمصطفی، *جستاری در بینش عرفانی - اخلاقی امام خمینی ره در مقوله تعلیم و تربیت معارف*، خرداد و تیرماه ۱۳۹۲، شماره ۹۷

۱۰. قالیباف، *ویژه نامه تاریخ جام جم*، مرداد ۱۳۸۷

۱۱. کشاورز، سوسن، سرتیپ زاده، لیلا، *مجله کوثر*، پائیز ۸۹، شماره ۳۶

۱۲. مصباح یزدی، *سیری در ساحل: بینش و منش حضرت امام خمینی ره*، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲

۱۳. سایت رسمی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای.

۱۴. پایگاه تحلیلی علوم انسانی

اصول بنیادین و الزامات راهبردی استحکام ساخت درونی قدرت نظام از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله)

سیداصغر جعفری*

چکیده

زمانی تصور بر آن بود که یک کشور در موقعیتی می‌تواند در عرصه بین الملل ظهور و بروز داشته باشد که وابسته به یکی از قدرت‌های جهانی باشد، وگرنه در مناسبات و معادلات جهانی هضم خواهد شد. اما ظهور انقلاب اسلامی در ایران بر چنین رویکردی پشت پا زد و رویکرد ساخت درونی قدرت و اتکا به ظرفیت‌ها و نیروهای داخلی را وارد ادبیات سیاسی نمود. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین اصول و الزامات راهبردی استحکام ساخت درونی قدرت نظام، به این پرسش اساسی پاسخ خواهد داد که استحکام ساخت درونی قدرت نظام از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) بر چه اصولی استوار است و الزامات راهبردی آن شامل چه مواردی می‌شود؟ نتیجه کلی که از این پژوهش حاصل شد نشان می‌دهد که ساخت درونی قدرت نظام با تکیه بر اصولی چون کرامت انسانی، عدالت و برابری، محبت و مهرورزی، سهمیم کردن مردم در امور جامعه و اتخاذ راهبردهایی چون تقویت ایمان و معنویت، تعمیق بصیرت، ارتقای توانمندی‌ها و آمادگی‌های دفاعی، شناخت دشمن، اقتصاد مقاومتی و جهاد علمی و فناورانه مستحکم خواهد شد.

واژگان کلیدی

اصول بنیادین، استحکام ساخت درونی قدرت، عدالت، بصیرت، اقتصاد مقاومتی.

۱. مقدمه

سالیان متمادی تصور آن بود که یک کشور زمانی می‌تواند در عرصه بین الملل ظهور و بروز داشته باشد که وابسته به یکی از ابرقدرت‌های جهانی باشد، وگرنه در مناسبات و معادلات جهانی هضم خواهد شد. مرعوب بودن به پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورهای غربی، پذیرش وجود فاصله غیر قابل جبران با آن کشورها و نیز برتر دانستن توان علمی و هویت فرهنگی کشورهای غربی و اجتناب ناپذیر تلقی کردن دنبال روی از آنها، از جمله عواملی بود که توجه را به ساخت قدرت در بیرون معطوف می‌کرد. اما انقلاب اسلامی ایران که با رهبری‌های حکیمانه امام خمینی ره و با تکیه بر شعار "نه شرقی و نه غربی" به پیروزی رسید، بر چنین رویکردی پشت پا زد و رویکرد ساخت درونی قدرت و اتکا به ظرفیت‌ها و نیروهای داخلی را وارد ادبیات سیاسی نمود.

نگاهی گذرا به وضعیت کشورهایی که با رویکرد ساخت بیرونی قدرت دست به توسعه و ساخت و تقویت قدرت درونی زده‌اند، نشان می‌دهد که اگرچه برخی از آنها در گام‌های ابتدایی توانستند بین خود و دیگر کشورهای پیرامون و منطقه فاصله ایجاد نمایند و به ظاهر برخی از مظاهر تمدنی دنیای جدید را در حوزه‌هایی چون ساخت خودرو، ورود در دنیای الکترونیک و ... کسب کنند، اما پس از سپری شدن سال‌ها معلوم شد که اولاً این کشورها تنها در یک یا دو حوزه تقویت شده، از پیشرفت همه جانبه جا ماندند؛ ثانیاً همین پیشرفت نیز با اتکا به استعدادهای درونی و بومی نبود. مصر، مالزی، ترکیه، عربستان و ... از مصادیق توسعه و پیشرفت با چنین رویکردی به ساخت قدرت محسوب می‌شوند که امروزه با مشکلاتی دست به گریبان هستند. ماهاتیر محمد که از او به عنوان عامل دگرگونی و توسعه کشور مالزی و از اقتصاد کشورش روزگاری تحت عنوان بیر اقتصادی منطقه نام برده می‌شد، خود در مقطعی با ظاهر شدن پیامدهای اقتصاد وابسته در باره غیرواقعی بودن الگوی توسعه بیرونی، گفته بود: بعد از بحران‌های اقتصادی معلوم شد که بهترین راه برای حل این بحران مالی، تکیه بر کسانی است که از همه نسبت به کشور مالزی، دلسوزترند، یعنی مردم این کشور (ماهاتیر محمد، ۱۳۸۲).

جمهوری اسلامی ایران با گذشت قریب به چهار دهه از زمان پیروزی انقلاب ثابت کرد که با

اتکا به ظرفیت‌ها و نیروهای داخلی می‌توان پیشرفت نمود و در عرصه جهانی و مناسبات بین‌المللی نقش آفرینی کرد. به همین دلیل است که محوری‌ترین رهنمود مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر برای رشد و پیشرفت همه جانبه‌ی کشور و مقابله با مانع تراشی‌های دشمنان، توجه به «قدرت درون‌زا» بوده است:

«در پیشرفت به سمت هدف‌های آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر می‌خواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدف‌ها را دنبال کنیم و چشم به این آرمان‌ها بدوزیم و پیش برویم و در مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم و صبر و توکل را به کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲/۴/۳۰).

این که استحکام ساخت درونی قدرت نظام چیست، اصول و الزامات راهبردی آن شامل چه مواردی می‌شود، پرسش‌های اساسی است که تحقیق حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) آن را تبیین خواهد کرد.

پیشینه تاریخی «استحکام ساخت درونی قدرت» به اندیشه‌های حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه بر می‌گردد که ملت ایران برای دستیابی و تحقق آن، انقلاب بزرگی را به وجود آورده‌اند. در واقع، اتکا به درون و استقلال در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دفاعی - امنیتی بر مبنای آیه نفی سبیل «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)، یکی از اصلی‌ترین اهداف مردم در مبارزه با رژیم پهلوی بوده است. بر این اساس می‌توان گفت که در ادبیات معاصر دو نوع رویکرد به ساخت قدرت وجود دارد که عبارتند از: ۱. رویکرد ساخت بیرونی قدرت ۲. رویکرد ساخت درونی قدرت. انقلاب اسلامی ایران با رهبری حضرت امام رحمته‌الله علیه محصول پیروزی رویکرد ساخت درونی قدرت و اتکا به ظرفیت‌ها و نیروهای داخلی بوده است.

۲. مفهوم شناسی

۲ - ۱. مفهوم استحکام ساخت درونی قدرت در ادبیات معاصر

باری بوزان^۱ استاد روابط بین‌الملل در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» بیان می‌کند، هر دولتی الزاماً

1 Barry Buzan

باید:

۱. دارای پایگاه مادی متشکل از جمعیت و سرزمین قابل توجه باشد.

۲. دارای نهادهایی باشد که پایگاه مادی را هدایت کند و بر آنها حکومت کند.

۳. دارای یک ایده مشروع از نظر مردم باشد.

نهادهای دولت یعنی تمام دستگاه‌های حکومت از جمله سازمان‌ها، مراحل و هنجارهای اجرایی، قانونگذاری و اداری یا قضایی که از طریق آنها فعالیت می‌کند. پایگاه مادی دولت متشکل از مردم و سرزمین، از جمله همه منابع طبیعی و ثروت ساخته دست انسان در درون مرزهای آن می‌باشد. این جزء بخش محسوس دولت است که قلمرو دولت را تعیین می‌کند. ایده دولت تعیین کننده فلسفه وجودی دولت است و رشته‌ای است که مردم را به یک موجودیت سیاسی - اجتماعی پیوند می‌زند. به دلیل این که ماهیت دولت بیشتر اجتماعی - سیاسی است و نه فیزیکی، قلب دولت در ایده‌ای است که در اذهان مردم جاری است. لذا خود این ایده موضوع اصلی امنیت ملی را تشکیل می‌دهد. دولتی که ایده اتصال دهنده نداشته باشد از لحاظ ادامه موجودیت در نظام رقابت آمیز بین المللی مشکل خواهد داشت. از نظر باری بوزان به خاطر نقش اجزای سه‌گانه دولت (ایده دولت، پایگاه مادی دولت و مظاهر نهادی دولت) و ارتباط متقابل آنها توانایی دولت مترادف با قدرت دولت نیست. قدرتهای ضعیفی مانند اتریش، هلند، نروژ و سنگاپور، همگی دولتهایی قوی هستند. در مقابل قدرتهای بزرگی مانند آرژانتین، برزیل، نیجریه، اندونزی و پاکستان دولتهای ضعیفی محسوب می‌شوند. حتی قدرتهای بزرگی مانند شوروی سابق و چین دارای ضعف‌های جدی بوده و هستند. زیرا شوروی نتوانست که ملیتهای متعدد خود را در یک هویت فراگیر ایدئولوژیک حل کند و چین با بحران روزافزونی در تفسیر ایدئولوژی سازمان دهنده خود روبرو می‌باشد. لذا هر دو نیازمند حفظ نیروی امنیتی قوی و گسترده در داخل خود بوده و هستند (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰: ۱۲۹ - ۱۷۰).

۲ - ۲. استحکام ساخت درونی قدرت از نظر مقام معظم رهبری

از نظر مقام معظم رهبری: «استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راههای مطلوب خودشان و به سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها به جوامع می‌دهد» (بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸). ایشان در تبیین این موضوع می‌فرمایند:

« نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون

اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید - است، که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست. همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم می‌شکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است» (بیانات در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

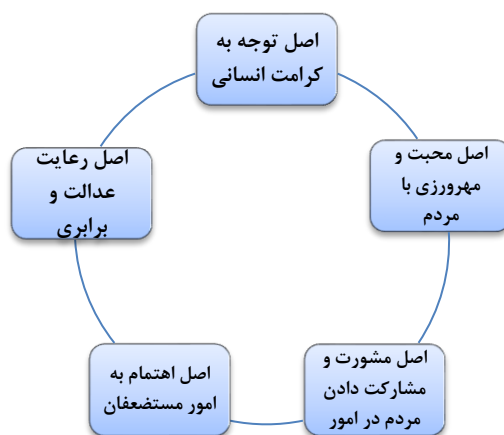
مقام معظم رهبری در ادامه در چپستی ساخت درونی می‌فرمایند: «آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است» (بیانات در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

با توجه به بیانات یاد شده، ساخت درونی نظام از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، عبارت است از این که اجزاء و عناصر نظام به گونه‌ای همبسته، مقوم و هم‌افزا باشند که کشور بتواند روی پای خود بایستد و عزت و سرافرازی خود را بدون وابستگی به دیگران حفظ و توسعه دهد.

۲-۳. اصول بنیادین ساخت درونی قدرت نظام

در مفهوم اصل بنیادین^۱ می‌توان گفت: بنیادین بودن بدان خاطر است که وجود آن اصول مایه قوام و نبود آنها موجب زوال نظام سیاسی می‌شود. بنابراین، هرگاه این اصول به درستی شناخته شده و به طور کامل اجرا شود، نه تنها ضامن ایجاد و حفظ عدالت اجتماعی و امنیت و آرامش خاطر و آسایش مردم جامعه است، بلکه بالاتر از آن، عامل مهمی است که جامعه را از زوال و ناپایداری ایمن خواهد کرد.

اصول بنیادین ساخت درونی قدرت نظام از دیدگاه مقام معظم رهبری که در شکل زیر (شکل ۱) آمده است، عبارتند از:



شکل ۱: اصول بنیادین استحکام ساخت درونی قدرت نظام

۲ - ۳ - ۱ . اصل توجه به کرامت انسانی

انسان موجودی است دارای کرامت ذاتی که از آفریدگار خویش به ارمغان گرفته است و این کرامت، از نخستین روزهای تکوین و شروع رشد وی به سمت انسان کامل شدن با او همزاد و همراه شده و تا هنگامی که خود را از شایستگی این کرامت محروم نکرده است، جاودانه خواهد ماند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۱۷۶) بنابراین، کرامت انسانی^۱، حیثیت و ارزشی است که تمام انسان ها به طور ذاتی و یکسان از آن برخوردارند. (Kant, 1948: 96)

در دین اسلام، دو نوع کرامت برای انسانها ثابت شده است که عبارتند از (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۲۴):

۱. کرامت ذاتی که همه انسانها، مادامی که با اختیار خود - به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و بر دیگران - آن کرامت را خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰).

۲. کرامت ارزشی (اکتسابی) که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به همین کرامت است (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۲۴). بر مبنای کلام وحی این کرامت، صرفاً بر پایه تقوا به دست می‌آید (حجرات، ۱۳).

مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه احترام به تک تک انسانها در یک جامعه تولید عزت می-

1 Human Dignity

کند (بیانات در بیستمین سالگرد رحلت حضرت امام رحمته ۱۴/۰۳/۱۳۸۸)، در مناسبتی دیگر در این باره فرمودند: «هر جا هستید و هر یک از قوای سه گانه ... به مردم حقیقتاً خدمت کنید و وقت بگذارید. این مردم را تکریم کنید، احترام کنید. همه جا همه‌ی انسان‌ها در خور تکریمند» (بیانات در دیدار مسئولان اجرائی استان فارس ۱۸/۰۲/۱۳۸۷).

مهم‌ترین درس از این اصل این است که اگر متولیان نظام سیاسی گوهر کرامت و عزت مردم را پاس دارند، در این صورت نظام سیاسی از قدرت نفوذ ناپذیری برخوردار خواهد شد.

۲ - ۳ - ۲. اصل محبت و مهرورزی با مردم

یکی از مهم‌ترین اصولی که در ساخت قدرت جامعه موثر است، اصل محبت و مهرورزی با مردم می‌باشد. انسان‌ها تشنه‌ی محبت‌اند و دل‌های آنان اسیر کمند محبت می‌شود. به طور طبیعی هر فردی از دیگران انتظار برخوردی خوش و انسان دوستانه دارد و هرگاه تحت تاثیر عواطف دیگران نیز قرار می‌گیرد، به ناچار عواطف انسانی خویش را بروز می‌دهد. (الهامی نیا، ۱۳۸۳: ۷۱) در واقع، محبت به عنوان یک نیاز اصیل روحی، در زندگی انسان و تأمین سلامت روحی و روانی او نقش بسزایی دارد و به آن حلاوت خاصی می‌بخشد (سادات، ۱۳۸۰: ۱۱۷ - ۱۰۷).

از نگاه مقام معظم رهبری، حکومت‌های مختلف بشری از حیث مدل و نحوه‌ی حکومت کردن به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند: دسته‌ی اول نظام‌های پلیسی مانند سیستم‌های استبدادی کمونیستی، سلطنتی و شبه سلطنتی با ویژگی‌های خاص خود هستند و دسته‌ی دوم دموکراسی‌های غربی هستند که با تزویر و تبلیغات اداره می‌شوند. اما سومین شیوه، نظامی است که با محبت و عطف مردم اداره می‌شود. نظام اسلامی با دو شیوه‌ی اول اداره نمی‌شود، بلکه با محبت و عطف مردم اداره می‌گردد. زیرا این شیوه حکومت سبب می‌شود که مردم به دستگاه حاکمه وصل باشند و پشت سرش قرار گیرند (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۰/۰۵/۲۳). بنابراین:

« فلسفه مسئولیت پیدا کردن مسئولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. مسئولان برای مردمند و خدمتگزار و مدیون و امانتدار آنها هستند. مردم، محورند. کسی که در نظام جمهوری اسلامی مسئولیتی به دست می‌آورد، باید همه هم و غمّش برای مردم باشد؛ هم برای دنیای مردم، هم برای مادیت مردم، هم برای معنویت مردم، هم برای ایجاد عدالت در میان مردم، هم برای احیای شأن انسانی مردم، هم برای آزادی مردم. اینها جزو وظایف اصلی حکومت است» (بیانات در مرقد مطهر امام خمینی رحمته ۱۴/۰۳/۱۳۸۰).

۲ - ۳ - ۳ . اصل رعایت عدالت و برابری

در منظر قرآن کریم، همه افراد در اصل انسانیت (نساء، ۱)، در حقوق و تکالیف و نیز در داوری و اجرای قانون برابر و دارای حقوقی یکسان هستند (نساء، ۵۸ و ۱۳۵). در این مکتب، هیچ کس نمی-تواند خود را مافوق قانون دانسته، حقوق دیگران را تباه سازد و خویشتن را از کیفر عملش مصون بدارد، بلکه همه در برابر قانون یکسان و مساویند. لذا «در نظام اسلامی باید ... هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ کس نتواند برخلاف قانون، میل و اراده‌ی خود را به دیگران تحمیل کند» (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام علیه السلام ۱۳۶۹/۰۳/۱۰).

در واقع، حکومت در نظام اسلامی عهده‌دار اداره همه ابعاد جامعه از هدایت امور دینی و فرهنگی گرفته تا تنظیم مسائل اقتصادی و اجتماعی می‌باشد؛ به صورتی که همه مردم بی هیچ گونه تبعیض از حقوق اجتماعی مساوی برخوردار بوده و بتوانند در سایه حکومت اسلامی به خواست‌های مشروع خود دست یابند و در مسیر سعادت و رستگاری سیر نموده و به کمال مطلوب برسند، به همین دلیل کارگزاران و مسئولان حکومتی موظف‌اند در همه جنبه‌ها و زمینه‌ها حرمت و منزلت انسان‌ها و حقوق مردم را به طور کامل رعایت نمایند و از هر گونه تعدی و ظلم و بی‌توجهی به مردم اجتناب کنند (میرتاج‌الدینی، ۳۷۶ : ۹۱). در این صورت، ملت به حاکمان خود علاقمند می‌شود و از نظام خود حمایت و پشتیبانی خواهد کرد:

«جامعه‌ی اسلامی، با عدل و قسط است که قوام پیدا می‌کند و می‌تواند به عنوان شاهد و مبشر و هدایتگر و الگو و نمونه، برای ملت‌های عالم مطرح شود. بدون عدل، ممکن نیست. ولو همه‌ی ارزش‌های مادی و ظاهری و دنیایی هم فراهم شود، اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۱/۰۳/۳۰).

۲ - ۳ - ۴ . اصل مشورت و مشارکت دادن مردم در امور

عمل به شورا و سهیم کردن مردم در امور جامعه در اسلام از چنان جایگاهی برخوردار است که خداوند متعال به رسولش، مشورت با یارانش را دستور می‌دهد (آل عمران، ۱۵۹). جامعه‌ای که به مشورت با مردم اهمیت دهد جامعه‌ای پویا، با نشاط و شکوفا است. زیرا آن جامعه از استبداد و تنگ نظری و عدم ارزش برای مردم دور بوده و نشان خواهد داد که چگونه جامعه با مشورت و نظرخواهی با توده مردم اداره خواهد شد و جلوی بزرگ‌ترین آفت حکومتی یعنی استبداد و خودکامگی را خواهد گرفت. و از سوی دیگر، حضور و مشارکت مردم، در نظام دینی مفهوم حفظ و استمرار نظام اسلامی

و استحکام ساخت درونی قدرت نظام می‌باشد:

به نظر مقام معظم رهبری، صاحب و مالک کشور، مردم هستند و به همین دلیل، امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نیز تأکید داشتند که ابتکار عمل، ورود در صحنه‌های کشور و انجام کارها به دست مردم سپرده شود و این، جزء ابتکارات امام بود (بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۷۵/۰۶/۰۸)؛ چرا که وقتی کارها به مردم سپرده شود، به سرانجام خواهد رسید. بنابراین، اگر مسئولان بخواهند کارها و بالاتر از آن نظام اسلامی سامان یابد، باید در تدبیر و برنامه ریزی‌شان در هر برهه‌ای، با برنامه ریزی دقیق و ملاحظه همه جوانب امور، کارها را در اختیار مردم قرار دهند. تجربه این چند ساله نیز نشان داده است که

«از اول انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محول به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است. هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقف مانده است. ... اگر متوقف نمانده است، گند پیش رفته است؛ اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش می‌برند» (بیانات در دیدار با مردم آذربایجان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹).

در واقع، مشارکت دادن مردم در امور مایه الفت اجتماعی و پیوند آنان با یکدیگر می‌شود و نشان خواهد داد که توده مردم در سرنوشت خویش شریک بوده و انزوا و کناره گیری از مسایل اجتماعی از آنها دور می‌باشد. وقتی متولیان نظام به این اصل پایبند باشند، روحیه مسئولیت پذیری در مردم قوت گرفته و پیوندها محکم شده و فاصله‌ها میان دولت و مردم از بین رفته و همگان در میدان تلاش و پیشرفت جامعه مشارکت خواهند کرد و نظام را از هرگونه گزند صیانت خواهند نمود.

۲ - ۳ - ۵ . اصل اهتمام به طبقه ضعیف و محروم

مهم‌ترین مسئولیت حکومت اسلامی برپا ساختن عدالت اجتماعی، رفع تبعیضات ظالمانه، کم کردن فاصله طبقاتی، فقر زدایی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان است، زیرا سیره و آرمان همه پیامبران، به خصوص پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام در طول تاریخ همین بوده است. مسئولان حکومت اسلامی وظیفه دارند تحقق این آرمان مقدس الهی را در صدر برنامه‌های خود قرار دهند و در این باره تلاش کنند: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (اصول کافی، ۲، ۱۶۴): هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد، از آنان نیست و هر کس فریاد کمک خواهی کسی را بشنود و به کمکش

نشتابد، مسلمان نیست.» همچنین امام علی علیه السلام فرمودند: «وَكُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، نامه ۴۷): همواره دشمن ستمگر و یار و یاور مظلوم باشید.»

مقام معظم رهبری با تاکید بر اینکه دفاع از قشرهای محروم - که صاحبان واقعی انقلابند - باید در رأس همه برنامه ریزی‌های کشور و محور کلیه تحرکات اقتصادی در بخش‌های مختلف قرار گیرد؛ زیرا بیشترین بار نظام را در همه مراحل، طبقات محروم و تهیدست و کم درآمد بردوش داشته‌اند و دارند و همواره با اخلاص و صمیمیت، از انقلاب و اسلام دفاع کرده‌اند (پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام رحمته الله ۱۳/۰۳/۱۳۷۰)؛ در مناسبتی دیگر، استحکام قدرت درونی نظام را تامین رفاه و آسایش و رشد مادی و معنوی و حفظ عزت و شرف طبقات مستضعف و محروم و پا برهنه یاد نموده و فرمودند:

«مسئولان باید دنبال عدالت و دنبال آسان کردن زندگی برای طبقات مستضعف و محروم و پابرنه باشند. مراد کسانی است که در روز خطر این مملکت را نجات دادند و اگر خدای نکرده بار دیگر خطری این مملکت را تهدید کند، باز هم همین جامعه کارگری، همین معلمان، همین قشرهای محروم و همین کارمندانی که از لحاظ درآمد در سطوح پایینی قرار دارند، می‌روند دفاع می‌کنند و سینه سپر می‌سازند» (بیانات در دیدار کارگران و معلمان ۱۴/۰۲/۱۳۷۹).

البته اگر روی طبقات محروم و پابرنه‌گان کشور تکیه می‌شود، این «نه این که نباید برای طبقات مرفه کار کرد؛ آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند؛ اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشتر توجه و همت و تلاش را اختصاص داد ... [زیرا] در تمام مدت پیروزی انقلاب تا امروز و قبل از آن، کسانی که بیش از همه سینه سپر کردند، از نظام دفاع کردند، سختی‌های نظام را به جان خریدند و در مقابل دشمنان ایستادند، طبقات محروم و پابرنه و مستضعفان جامعه بوده‌اند. اینها باید بیش از دیگران مورد توجه قرار گیرند» (بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی رحمته الله ۱۴/۰۳/۱۳۸۰).

۲ - ۴. الزامات راهبردی ساخت درونی قدرت نظام

راهبردهای ثابت بخش ساخت درونی قدرت، هم در حوزه نرم افزاری و هم در حوزه سخت افزاری با تکیه بر ظرفیت‌های بومی و توانمندی‌های داخلی قابل تعریف است. الزامات راهبردی ساخت درونی

قدرت نظام استخراج شده از تحلیل محتوای فرمایشات مقام معظم رهبری که در شکل ۲ آمده است، می‌توان به شرح زیر نام برد.



شکل ۲: الزامات راهبردی ساخت درونی قدرت نظام

۲ - ۴ - ۱. استحکام معنویت و روح ایمان

آموزه‌های اسلامی عمیق‌ترین و جامع‌ترین معارف را در ابواب گوناگون عرضه می‌دارد و افزون بر آن اعمال شایسته را به بهترین شکل تبیین کرده است که می‌تواند معنویت بزرگ را پایه گذاری نماید. خداوند، منبع، محور و بخشنده معنویت است و بدون ارتباط با او از رهگذر بندگی واقعی و عبودیت، معنویت پوچ و مجازی است و معنویت منهای خدا چیزی جز فریب و دلمشغولی ظاهری نیست. حیات طیبه و تابش انوار ربوبی بر قلب از سوی خدای تعالی است و ایمان و عمل صالح زمینه آن را فراهم می‌سازند. بنابراین معنویت افاضه‌ای از سوی حق است (الهامی نیا، ۱۳۹۰: ۲۳). قدم اول در رسیدن به معنویت، ایمان به خدا و روی آوردن به خالق هستی است. ایمان، رابطه محکم و نیروی درونی است که انسان با معبود خود برقرار می‌سازد تا به آنچه که موجب رضایت خداوند است دست یابد. تمام اعمال نیکو و پسندیده انسان از ایمان کامل نشأت می‌گیرد. هر چه ایمان و اعتقاد انسان به خداوند تبارک و تعالی بیشتر و محکم‌تر باشد، رفتار نیک و شایسته و توانمندیش در برابر دشمن

زیادتر می‌شود. برعکس، اگر باورها و اعتقادات در انسان سست و ضعیف شود، قدرت و اعتماد به نفس در او کاهش می‌یابد و در نتیجه در برابر دشمن خوار و ذلیل خواهد شد. در نگاه مقام معظم رهبری اصلی‌ترین راهبرد استحکام ساخت درونی قدرت نظام «در درجه‌ی اول با ایمان صحیح و راسخ و با اتحاد آحاد مردم و با عمل درست مسئولین کشور و با همراهی مسئولان و آحاد مردم و با توکل به خدای متعال انجام خواهد گرفت» (۲۰/۰۶/۱۳۹۲). چرا که:

«مادامی که شما ایمان و تقوا و عمل صالح را برای خودتان حفظ می‌کنید؛ تمام قدرت خدا، تمام نوامیس طبیعت و تمام امکانات یک گروه برگزیده در اختیار شماست. در میدان سازندگی، در میدان توطئه‌ی تبلیغاتی، در میدان مبارزه و تهاجم فرهنگی، در میدان خلیقات مردم، در میدان باز یک حرکت نظامی - که البته بسیار مستبعد است - و در هر میدان دیگر اگر دشمن با همه‌ی حجم و قدرت و تنوع و ابزار تبلیغاتی و با همان ساز و برگ نظامی وارد شود ... در مقابل ملت و همین جوانان مؤمن و خانواده‌های جوشان از عاطفه و ایمان، هیچ غلطی نخواهد توانست بکند.» (بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه ۱۳۷۴/۰۶/۲۹)

زیرا انسان‌های با ایمان از روحیه تلاش مضاعف برخوردار شده و به انسان‌های آبدیده‌ای تبدیل می‌شوند و در همه عرصه‌های زندگی آن را بروز خواهند داد. پیروزی جوانان حزب الله لبنان بر ارتش تا دندان مسلح به ابزارهای پیچیده‌ی رژیم صهیونیستی شاهد مثالی از داشتن چنین روحیه است. چرا که این دسته از جوانان با سلاح ایمان، با اعتماد به نفس و با تکیه به قدرت فائقه‌ی الهی، و بدون برخورداری از تجهیزات پیچیده و پیشرفته توانسته بودند بر ارتش تا دندان مسلح به ابزارهای پیچیده‌ی اسرائیل فائق آیند (بیانات در مراسم مشترک دانشگاه‌های ارتش ۱۳۸۳/۰۷/۲۲).

۲ - ۴ - ۲. تعمیق بصیرت

بی‌تردید یکی از مسئله‌های بسیار مهمی که موجب پیشرفت و تعالی یک جامعه خواهد شد، مسئله آگاهی است. صعود و پیشرفت در اثر آگاهی به وجود می‌آید و افول و سقوط، نابودی و تباهی هم در اثر عدم آگاهی و بی‌خبری حادث می‌شود. یکی از شاخص‌های بسیار مهم آگاهی و شناخت، بصیرت است. عنصر بصیرت که حاصل شناخت و تفکر است، از مهم‌ترین صفات و شرایط برای حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی به‌شمار می‌آید. به همین لحاظ، کارآترین و موثرین حربه علیه توطئه-

ها و حفظ و افزایش عناصر قدرت در درون نظام، آگاهی و بصیرت است.

بصیرت، در لغت به معنی بینایی، دانایی، دوراندیشی، و زیرکی است، و در اصطلاح، می‌توان به یک معرفت درونی و عمیق انسانی نسبت به آنچه پیرامون خود می‌گذرد، تعریف کرد (ستوده نیا، و سادات پور، ۱۳۸۹: ۱۲۹). در نظر مقام معظم رهبری نیز بصیرت به معنای بینایی دل است، بینایی برگرفته از قدرت تحلیل صحیح (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان ۱۳/۱۱/۱۳۷۷). بنابراین، کسی که عمق مسایل و حوادث را با تیزبینی و زیرکی درک کند و حقایق و واقعیت‌ها را خوب تشخیص دهد، دارای بصیرت است.

وجود بصیرت در امر دفاع از مکتب و افزایش عناصر قدرت در درون نظام، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. زیرا اولاً «دشمن پیچیده است و در مواجهه با انقلاب و ملت ایران، مرموزانه عمل می‌کند. غالباً لباس دشمنی نمی‌پوشد؛ بلکه با چهره‌ی نفاق، دورویی، فریب، تبلیغات، شایعه پراکنی، ایجاد دلسردی و زنده کردن انگیزه‌های گوناگون قومی و تاریخی و فرقه‌یی، جلو می‌آید» (سخنرانی در جمع مردم عشایر خوزستان و نجف آباد ۱۹/۰۳/۱۳۶۸). ثانیاً تا عنصر بصیرت و هوشیاری وجود نداشته باشد، واقعیت‌ها تشخیص داده نشده و حقایق فهمیده نمی‌شود. در نتیجه، فرد فاقد بصیرت، درک و فهم درستی از اوضاع و احوال نخواهد داشت و از مسیر اصلی منحرف شده و هدف را گم خواهد کرد:

«یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه‌ی تیغ‌های دشمن در مقابل آنها کند می‌شود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد.» (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۵/۰۷/۱۳۸۸).

بنابراین، برای منحرف نشدن از مسیر اصلی، گم نکردن هدف، کندسازی همه‌ی تیغ‌های دشمن، جلوگیری از ضربه دشمن (۱۲/۵/۸۸) باید به عنصر بصیرت تکیه کرد. زیرا علت اینکه «نظام جمهوری اسلامی با وجود همه‌ی امواج متلاطم و خصمانه‌ی در پیرامون خود، پایدار ماند و رشد کرد، به برکت اخلاص، بینش و بصیرت بود که اتفاق افتاده است» (بیانات در دیدار بسیجیان همدان ۶/۴/۱۳۸۳).

۲ - ۴ - ۳. حاکمیت تفکر بسیجی

بسیج، تعبیر خیل عظیم مومنین در آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِبَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال، ۶۲) است که در قامت شجره طیبه و درختی تناور و پر ثمر جلوه‌گر شد. بسیج که به لطف انفاس قدسی امام همام ت در دایره المعارف انقلاب اسلامی جای گرفت؛ زمانی به وجود آمد که اصل انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی در معرض تهدید قرار داشت و این تهدیدها محدود در عرصه‌های نظامی نبود، بلکه تهدیدها و خطرهای همه جانبه بود. از این رو، حضرت امام ت با طراحی مدلی به نام تفکر و فرهنگ بسیجی توانستند توطئه‌ها و تهدیدات دشمن را در میادین مختلف خنثی کنند. از این رو، یکی از عوامل مهمی که می‌تواند در در حفظ و افزایش عناصر قدرت در درون نظام از آن برای مواجهه با تهدیدهای فراروی نظام مورد استفاده قرار داد، وجود فرهنگ و تفکر بسیجی است. «تفکر بسیجی ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هوشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دوست، و ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی ناپذیر» (پیام به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی ۱۳۷۷/۰۷/۱۴) و «فرهنگ بسیجی یعنی آن مجموعه‌ی معرفت‌ها و روش‌ها و منش‌هایی که می‌تواند مجموعه‌های عظیمی را در ملت به وجود بیاورد که تضمین‌کننده‌ی حرکت مستقیم و پایدار اسلامی آن ملت باشند.» (بیانات در دیدار اقشار نمونه‌ی بسیج سراسر کشور ۱۳۹۰/۰۹/۰۶). باید پذیرفت که ایران اسلامی در جنگ همه جانبه قرار دارد، در این بین نقش بسیجیان بسیار پر رنگ است. زیرا در مسیر انقلاب همواره دشمنانی وجود داشته‌اند که از ابتدا تا حال حاضر، به شکل‌های گوناگون و در شیوه‌های گوناگون اعم از فرهنگی، نظامی و اقتصادی مشکلاتی را برای این کشور به وجود آورده‌اند که تمامی آنها با تکیه بر فرهنگ و تفکر بسیجی مدیریت شده‌اند:

«ما در میدان جنگ هم اگر بسیج را نداشتیم، کمیتمان لنگ بود. در دوران بعد از پایان جنگ هم اگر بسیج نمی‌بود و اگر امروز هم نباشد، کمیت این انقلاب و این نظام و همه‌ی حرکت‌های سازنده‌ی این کشور لنگ است ... تا زمانی که برای این کشور امنیت لازم است و تا وقتی که این کشور و این ملت به امنیت احتیاج دارد - یعنی همیشه؛ چون همیشه احتیاج به امنیت هست - به نیروی بسیج، به انگیزه‌ی بسیجی، به سازماندهی بسیجی و به عشق و ایمان بسیجی احتیاج هست» (بیانات در دیدار سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۰۶/۱۰).

۲ - ۴ - ۴. ارتقای آمادگی‌های دفاعی

ارتقای توانمندی و آمادگی‌های دفاعی یک عامل مهم در توازن قدرت است که در استراتژی معاصر

از آن به بازدارندگی^۱ تعبیر می‌شود. بازدارندگی، یکی از ابزارهای تلاش دولت برای نفوذگذاری بر دیگران است که از طریق آن تصمیم‌گیرندگان یک دولت با تهدید دشمنان بالقوه به تلافی، درصد جلوگیری از برخی اعمال آنها بر می‌آیند (هالستی، ۱۳۷۶: ۴۸۱). بی‌تردید داشتن ارتشی مقتدر و مجهز به مدرن‌ترین ابزارها و تسلیحات پیشرفته متعارف برای تولید قدرت، بنا به دستور قرآنی (انفال، ۶۰) که وظیفه دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور را در برابر هرگونه تهدید و تجاوز بر عهده دارد، در عرصه جهانی واقعیتهای بدیهی و انکارناپذیر است. چرا که تاکنون هیچ نهاد بین‌المللی قدرتمند و بی‌طرفی که بتواند از وقوع درگیری‌های مسلحانه جلوگیری کند، وجود ندارد:

«در دنیائی که هنوز متأسفانه تکیه‌ی به قدرت سرنیزه و اسلحه می‌تواند در ارتباط میان ملت‌ها و کشورها تعیین‌کننده باشد، در دنیائی که قلدرانی با داشتن مشتهای پولادین بخواهند سرنوشت ملت‌ها را در دست بگیرند - در دنیای مادی - آن ملتی از آسیب محفوظ می‌ماند که ثابت کند آماده‌ی دفاع است.» (بیانات در دانشگاه افسری امام علی (علیه السلام) ۱۳۹۰/۰۸/۱۹)

البته مراد از تولید قدرت، توسل به زور و ایجاد هراس و وحشت نیست، بلکه مراد از آن، پیشگیری از خیال تجاوزی است که ممکن است در سر سایرین باشد و همان احترام و هیبتی است که به واسطه آمادگی در دل دیگران ایجاد می‌کند (برزنونی، ۱۳۸۴: ۱۴۷). خداوند متعال پس از آن که در سوره انفال، آیه ۶۰ دستور آمادگی جنگی را صادر کرد؛ در ادامه همین آیه، علت آن را نیز ذکر کرده و فرمود: «...تُرهَبُونَ بِعَدُوِّ اللَّهِ وَ عَدُوِّكُمْ... تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!» زیرا وقتی دشمنان، بدانند مسلمانان آماده مبارزه‌اند و همه‌گونه سلاح و تجهیزات دفاعی را در اختیار دارند و متجاوزان را پاسخ دندان شکن می‌دهند، اقدام به تعرض و تجاوز نمی‌کنند. بر مبنای چنین اندیشه‌ی قرآنی است که مقام معظم رهبری در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۷/۱۰/۲۱)؛ «ارتقاء توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای» را مورد تاکید قرار داده‌اند. منظور از بازدارندگی آن است که قوت و توان نظامی و دفاعی کشور به حدی رشد کند که خود این توان نظامی باعث ترس دشمن از آغاز هر نوع حمله و یا صدمه‌ای شود:

«آمادگی شما نیروهای مسلح - چه ارتش، چه سپاه، چه بسیج، چه بقیه‌ی

مجموعه‌های نیروهای مسلح - فقط به معنای این نیست که در نبرد بر دشمن پیروز بشوید، بلکه معنای دیگر آن مصون نگه داشتن کشور از نیت بد دشمنان است. وقتی شما آماده باشید، وقتی شما مجهز باشید، وقتی مسلح به ایمان، مسلح به علم، آماده‌ی فداکاری باشید، دشمن جرئت نمی‌کند به طرف شما گامی از روی بدخواهی بردارد» (بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر ۱۳۹۴/۰۷/۰۸).

۲ - ۴ - ۵ . شناخت دشمن

یکی دیگر از الزامات راهبردی ساخت درونی نظام، دشمن شناسی است. چرا که تا به طرز تفکر، میزان قدرت و توانایی، سیاست‌ها، روش‌ها و تاکتیک‌های دشمن شناخت حاصل نشود، نه تنها مقابله و مبارزه مؤثر با آن امکان پذیر نخواهد بود، بلکه قدرت درونی حاصل نخواهد شد. پیامبر اسلام ﷺ در اهمیت و لزوم شناخت دشمن می‌فرمایند: «أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَاطَاعَهُ، وَعَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ» (بحار الانوار، ۷۴، ۱۸۱) آگاه باشید! عاقل‌ترین مردم کسی است که خدایش را بشناسد و از او پیروی کند، و دشمنش را نیز بشناسد و آنگاه نافرمانیش کند». امروزه دیگر دشمن تنها از ابزار سخت (مبتنی بر تسلیحات و تجهیزات نظامی) برای مقابله با نظام استفاده نمی‌کند، بلکه با بهره‌گیری از مولفه‌ای تأثیرگذار حداکثری بدون توسل به زور (Gene Sharp, 2005: 2423 - 433) یعنی ابزار نرم و بنا به تعبیر مقام رهبری «جنگ نرم» برنامه‌های خود را عملی می‌کند. چرا که معمولاً ملت‌ها در برابر تهدیدات و تهاجم فیزیکی و نظامی دشمنان به دلیل ماهیت روشن آن بلافاصله واکنش نشان می‌دهند، اما در برابر دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری نظام سیاسی، فکر و اندیشه، باور و ارزش‌ها و آرمان‌ها که مورد یورش و آماج قرار می‌گیرد، چون همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل‌های صنفی و قشری و شیوه‌ی القاء و اقناع انجام می‌پذیرد؛ به دلیل بی‌بصیرتی، عدم آگاهی و یا بی‌مبالاتی، از کنار آن می‌گذرند (نائینی، ۱۳۸۶)؛ حال آنکه این نوع تهدید و تهاجم، ساخت درونی قدرت نظام را نشانه گرفته و نظام را از درون مضمحل می‌کند. لذا:

« باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیائیم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده می‌کند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به

کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۰۷/۰۲). «تدبیر یعنی آگاهی از آنچه که در برنامه‌ی دشمن است، و تصمیم درست و بجا در مقابله‌ی با آن. دشمن به شکل‌های مختلفی ظاهر می‌شود. شما امروز ملاحظه کنید؛ در مقابل ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، صهیونیست‌ها هستند، دولت آمریکا قرار دارد؛ گاهی لباس گرگ می‌پوشند، گاهی لباس روباه می‌پوشند؛ گاهی چهره‌ی خشن و خصمانه‌ی خودشان را نشان می‌دهند، گاهی چهره‌ی فریب‌گرانه نشان می‌دهند؛ باید متوجه بود» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۰۱/۰۱).

۴-۶. پایبندی به ارزش‌ها

ارزش از بنیادی‌ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و هم‌چنین شکل‌گیری حیات اجتماعی است، برای همین ارزش‌ها، معیارهایی هستند که به فرهنگ کلی و جامعه معنا می‌دهد. (نیک گوهر، ۱۳۶۹: ۲۸۰) جامعه‌ای می‌تواند متضمن سعادت آدمی باشد که پیش از هر چیز خود از هویتی ثابت و قوی برخوردار باشد و این وابسته به ارزش‌هایی است که در آن جامعه حاکم است، زیرا جامعه هویت و ثبات خود را از ارزش‌هایش می‌گیرد. از این رو، ارزش‌های حاکم باید خود از ثبات و دوام برخوردار باشند تا بتوانند در هر زمان و مکانی چون چراغی فروزان راه رفتارهای فردی و اجتماعی افراد را هموار سازند و این چنین توانی را تنها باید در ارزش‌های دینی جستجو کرد. زیرا ارزش‌های دینی به دلیل اتصال‌شان به وحی نوعاً ثابت و لایتغیرند. ارزش‌هایی که ریشه در ذوق و سلیقه افراد دارند از ثبات لازم و کافی برخوردار نیستند و ارزش‌هایی که دائم در حال تغییر و دگرگونی‌اند، توانایی ایجاد و حفظ وحدت و ثبات و انسجام در جامعه را ندارند. (محرابی، ۱۳۸۸: ۱۳).

یکی از اقدامات نظام سلطه در جوامع اسلامی آن است که مردم را به ارزش‌های غیراسلامی نزدیک کنند، یعنی «لباس‌شان مثل لباس آنها، رفتارشان مثل رفتار آنها، بینش‌شان مثل بینش آنها و اعمال‌شان هم مثل اعمال آنها باشد» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۳/۰۳/۰۸) تا از آن طریق بهتر بتوانند سیطره خودشان را گسترش دهند. کاری که در گذشته در اندلس انجام دادند. به اذهان بسیاری از تحلیل‌گران تاریخ اندلس، یکی از مهم‌ترین عوامل انحطاط آن تمدن بزرگ، تغییر باورها و ارزش‌های اسلامی در میان حاکمان و مردم سرزمین بود که دشمنان توانستند با یک برنامه‌ریزی حساب شده و با تهاجم فرهنگی، جامعه اندلس را از درون فرو ریزند (شریفی، ۱۳۹۲: ۳۷). این حربه

را می‌توان در عصر حاضر نیز مشاهده کرد (بیانات در دیدار جوانان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۶). بنابراین، توجه و پایبندی به ارزش‌ها یعنی ایمان، استکبارستیزی، ایستادگی در مقابل دشمن، ساده‌زیستی و اجتناب از اشرافی‌گری، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور، فتح قله‌های دانش، سعی برای ایجاد برادری و برابری، رواج اخلاق فاضله، تقوا در رأس کارها مهم‌ترین راهبردی است که می‌تواند کشور را در برابر هرگونه گزند محافظت کند (جعفری، ۱۳۹۵: ۹۴). لذا:

« هر چه ما ارزش‌ها را بیشتر پیاده و اعمال کنیم، جامعه‌ی اسلامی، عزیزتر خواهد شد؛ ملت اسلام قوی‌تر خواهد شد و در همه‌ی مراحل حیات، پیشرفت ما بیشتر خواهد شد ... آنچه می‌تواند شما را موفق کند، کشور را آباد کند، ملت ایران را در صحنه نگه دارد و همه‌ی نیروها را در راه این سازندگی مقدس بسیج کند، دو دستی چسبیدن به ارزش‌های اسلامی است» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۳/۰۳/۰۸).

۲ - ۴ - ۷. وحدت و انسجام

وحدت و انسجام همواره در دین مبین اسلام به عنوان اصلی اساسی و گرانقدر مورد توجه بوده است: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران، ۱۰۳) «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَنفَشُلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال، ۴۶). بنابراین، یکی از مواهب بزرگ الهی و یکی از مقاصد مهم مکتب حیاتبخش اسلام موضوع وحدت و همبستگی، اتحاد و انسجام است.

وحدت و انسجام ضرورتی فطری، عقلی و شرعی است که بشر برای بقای اجتماع و مدینه‌ی انسانی و برخورداری از یک زندگی مطلوب به آن احتیاج دارد. ایران اسلامی با وجود قومیت‌های متعدد، لهجه‌ها و خرده فرهنگ‌ها و همچنین اقلیت‌های دینی تاکنون توانسته است با اتحاد و وحدت کلمه از گردنه‌های پرفراز و نشیب عبور کرده و عزت و استقلال خود را حفظ کند. اما دشمنان این کشور هرگز بیکار ننشسته و همواره تلاش می‌کنند تا جهت فروپاشی نظام جمهوری اسلامی از طریق تفرقه، فرقه‌سازی‌های جعلی و تحریم‌های متعدد این اتحاد و وحدت را از بین ببرند. از این رو، حفظ و تقویت اتحاد و انسجام ملت و دولت یکی دیگر از راهبردهای اساسی در تداوم و استمرار انقلاب اسلامی و ساخت درونی قدرت محسوب می‌شود.

«امروز وحدت ملت ایران، وحدت ملت و دولت، اتحاد میان مسئولان کشور، رمز پیروزی است ... در میدان تنظیم شده ی از سوی دشمن بازی نکنید. این را مراقب باشید. همه مراقب باشند ... چون چه ببرید، چه ببازید، به نفع اوست. طراحی دشمن ایجاد اختلاف است، ایجاد ناامیدی است، به جان هم انداختن فعالان سیاسی است، منزوی کردن خط اصیل و ارزش‌های اسلامی است. این کارها، نقشه‌های دشمن است؛ سرگرم کردن جوان‌ها به هوی و هوس و لغویات و غافل کردن آنها از حرکت عمومی ملت ایران .. این‌ها نقشه‌های دشمن است. باید مراقب بود. باید در مقابل هر کاری که به این نقشه‌ها منتهی می‌شود، ایستاد. وحدت را باید حفظ کرد» (دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۸۷/۰۸/۰۸).

۲ - ۴ - ۸. تکیه به استعداد های درونی

تکیه به استعداد های درونی و سپردن کارها به نیروهای ارزشی و خودی، نه تنها باعث جلوگیری از به هدر رفتن منابع مادی و انسانی خواهد شد، بلکه اعتقاد، ایمان و باورهای دینی نیروهای ارزشی و استعداد های درونی موجب می‌شود تا نظام سیاسی در معادلات جهانی هرگز در برابر قدرت‌های سلطه‌گر سر تسلیم فرود نیآورده و «کشور را از وابستگی به بیگانگان و نیاز به دشمنان نجات خواهد داد» (بیانات در پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان ۱۳۷۱/۰۷/۱۸).

مقام معظم رهبری در مناسبتی با تاکید بر این نکته که آن چیزی که پیشرفت را برای سازمان‌ها به ارمغان می‌آورد و محیط را ماندگار و مستحکم و غیر قابل تصرف و مایه افتخار برای ملت می‌سازد، ناشی از تلاش عناصر مؤمن، با شوق و با همت است (بیانات در دیدار با کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۷۵/۱۱/۱۸)، در جایی دیگر تاکید فرمودند:

« بیشترین امید، اعتماد و تکیه‌ی ما به نیروهای ذاتی و درونی ایران اسلامی عزیز است. جوانان ما و مغزهای متفکر و دست‌های ماهر و روح‌های بزرگ سازنده و مبتکر خود ما هستند که باید ما را مجهز کنند ... ما، در راه و راه را به روی خودمان نمی‌بندیم که از امکانات جهان و فناوری جدید استفاده نکنیم. علم و فناوری متعلق به همه‌ی بشریت است و هیچ کس نمی‌تواند آن را منحصر به خود بداند و منت آن را بر سر کسی بگذارد. همه‌ی بشر در تکوین موجودی امروز مدنیت بشری، با هم سهیم بوده‌اند. ما راه را به روی خودمان نمی‌بندیم و این را حق خودمان می‌دانیم. اما ... تکیه‌ی اصلی ما به نیروهای خودی است.» ()

بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)
(۱۳۸۰/۱۲/۱۲)

۲ - ۴ - ۹. اقتصاد مقاومتی

از نظر قرآن کریم یکی از مولفه‌های مهم در قوام جامعه اقتصاد است؛ به این معنا که جامعه بشری با اقتصاد، استوار و پایدار می‌ایستد: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا: اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید» (نساء، ۵) خداوند متعال در این آیه شریفه اموال یعنی امر اقتصادی را به عنوان عامل قیام جامعه معرفی می‌کند. پس نقشی که اقتصاد در جامعه ایفا می‌کند همانند ستون میانی خیمه است که خیمه را بر پا نگه می‌دارد و به آن معنا و مفهوم می‌بخشد؛ اگر اقتصاد جامعه از میان برود یا سست و ضعیف شود به همان میزان جامعه آسیب می‌بیند.

بی‌شک جامعه‌ی اسلامی باید از درون قوی و قدرتمند شود و برای بالندگی در جهان نیز باید متکی به خود باشد و برای این منظور باید خود را در برابر دشمنان در همه‌ی زمینه‌ها، از جمله اقتصاد مجهز سازد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین راهبردهای قدرتمند شدن، ناظر به مسئله‌ی اقتصادی است که اگر این امر محقق شود، اقتدار نظام اسلامی باعث هراس و سردرگمی دشمنان خواهد شد. از آنجایی که امروزه دشمنان، با سلاح اقتصاد به جنگ نظام اسلامی روی آورده‌اند، نظام اسلامی نیز باید با همان سلاح به آنها پاسخ بدهد و با اتکا به ظرفیت‌های درونی خود درهای کشور را به روی نفوذ آنها ببندد. برابر تدابیر مقام معظم رهبری این سلاح تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» نام دارد: «یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده‌ی رشد و شکوفایی کشور باشد» (بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۰۵/۱۶). معظم له در مناسبتی دیگر تحقق این راهبرد را تشکیل قرارگاه اقتصاد مقاومتی نام برده و فرمودند:

«کشور بدون اقتصاد مقاومتی رشد نخواهد کرد، مشکلات اقتصادی‌اش برطرف نخواهد شد، بلکه گرفتاری‌هایش روزبه روز بیشتر خواهد شد ... بنده از برادران عزیزمان در دولت درخواست کردم که یک قرارگاه اقتصاد مقاومتی تشکیل بدهند؛ فرماندهی برایش بگذارند. جنگ است دیگر؛ جنگ اقتصادی جنگ است؛ حالا در آن توپ و تیر و تفنگ نیست اما ابزارهای خطرناک‌تر از توپ و تفنگ وجود دارد. یک جنگ است، قرارگاه لازم دارد، قرارگاه هم فرمانده لازم

دارد» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

۲ - ۴ - ۱۰ . جهاد علمی و فناورانه

اهمیت و عظمت مقام علم؛ در حدی است که خداوند در قرآن به پیامبرش دستور می‌دهد: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (زم، ۹). پیامبر اسلام ﷺ نیز در مقام ارزش گذاری به علم می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (اصول کافی، ۱، ۳۵). امروزه، عرصه‌ی علم و فناوری یکی از تاثیرگذارترین و مهم‌ترین اجزای زندگی بشری به‌شمار می‌رود و کمتر کسی را می‌توان یافت که منکر اهمیت و تاثیرگذاری آن بر زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها باشد. بهره‌مندی از یافته‌های علمی و فناوری‌ها امری تازه و منحصر به عصر حاضر نیست؛ بشر از نخستین روزهای خلقت همواره به دنبال شیوه‌های تسلط بر طبیعت و ساخت ابزارهای مورد نیاز خود در جهت نیل به رفاه و آسایش بوده است. از این رو، با مرور زمان و گذار از عصر کشاورزی به عصر صنعت و همچنین ورود به عصر اطلاعات همواره علم و آگاهی بشر توسعه یافته است. به موازات توسعه‌ی علم بشری، فناوری‌ها نیز همواره دستخوش تحول گردیده به طوری که در طی دهه‌های گذشته، رفته رفته با افزایش روزافزون شتاب تحولات و پیشرفت‌های علمی و فناورانه، توانایی انسان در تغییر سبک کار و زندگی نیز دستخوش تحولات روزافزونی شده است (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). بنابراین، پیشرفت علمی و فناورانه در رسیدن به استحکام ساخت درونی نقش بسیار موثری دارد. زیرا:

«علم مایه‌ی قدرت و ثروت است. اگر کشور شما و نظام جمهوری اسلامی باید به این قدرت و اقتدار دست پیدا کند تا بتواند از ملت خود، از کشور خود، از ارزش‌های خود و از نظام خود پشتیبانی کند و مصونیت ببخشد - که قدرت فایده‌اش این است؛ اقتدار برای زورگویی به دیگران نیست، برای جلوگیری از زورگویی دیگران است - و اگر در کنار این به ثروت احتیاج دارد تا بتواند مشکلات گوناگونی را که میراث سال‌ها حکومت استبدادی در این کشور است برطرف کند، باید علم را به دست بیاورد. برای یک ملت، علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی» (دیدار با نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۶/۵).

۳. نتیجه گیری

بی‌شک عامل اساسی و کلیدی در پیشرفت کشور استفاده از تمامی ظرفیت‌ها در داخل، به عبارتی تقویت ساخت درونی قدرت نظام است. اگرچه باید از امکانات بیرونی هم برای تقویت ساخت درونی کشور و نظام تا حد امکان بهره گرفت، اما نباید چشم امید به بیرون از کشور دوخت و چنین تصور کرد که راه حل اساسی مشکلات کشور در بیرون وجود دارد. چرا که همواره تاریخ و تجربه به ما ثابت کرده، هر ملتی که برای پیشرفت خود به بیرون متکی شده و استعداد درونی خود را مورد غفلت قرار داده است، ره‌آوردی جز شکست و وابستگی نداشته است. ملت مسلمان ایران که با شعار "نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی" نظام اسلامی را در ایران مستقر کرد، نشان داد که با استفاده از استعدادها و توانایی‌های فراوان خود همچنان می‌تواند با شتاب مضاعف به سوی استقلال و عزت پیش برود، اما در بیرون دشمنانی دارد که در صدر آرزوها و آمال‌شان زمین زدن این ملت و به بند کشیدن آنها است. دشمنان ملت ایران و در رأس آنها آمریکا با تحریم‌ها و فشارهایی که بر کشور وارد می‌کنند برای مردم مشکلاتی را به وجود می‌آورد، اما درس بزرگ این دسته از اقدامات آن است که «هرچه می‌توانیم، باید به استحکام ساخت داخلی قدرت بپردازیم؛ هرچه می‌توانیم، در درون، خودمان را مقتدر کنیم؛ دل به بیرون نبندیم. آنهایی که دل به بیرون ظرفیت ملت ایران می‌بندند، وقتی با یک چنین مشکلاتی مواجه شوند، خلع سلاح خواهند شد. ظرفیت‌های ملت ایران خیلی زیاد است. ما باید بپردازیم به استحکام ساخت درونی اقتدار ملی» (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۲/۰۵/۱۲). ساخت درونی، اصول و الزاماتی دارد، پاسداشت عزت و کرامت انسانی، رعایت عدالت و برابری، اداره جامعه به شیوه محبت و عطف، اهتمام در رسیدگی به امور محرومین و مستضعفین و تقویت مشارکت مردم در امور جامعه اصول استحکام ساخت درونی قدرت می‌باشند و تقویت ایمان و معنویت، تعمیق بصیرت، ارتقای توانمندی‌ها و آمادگی‌های دفاعی، دشمن شناسایی، حاکمیت تفکر بسیجی، اتحاد و انسجام، اقتصاد مقاومتی و اتکا به نیروهای ارزشی و خودی، جهاد علمی و فناورانه از جمله راهبردهای استحکام ساخت درونی قدرت هستند. اما نکته‌ای که نباید از آن غافل شد، شناخت موانع موجود بر سر راه استحکام ساخت درونی قدرت از قبیل وجود پاره‌ای غفلت‌ها، استمرار خودباختگی به غرب و تفکرات برون نگر، کاهش روحیه انقلابی و جهادی، ضعف بینش و بصیرت و ... است که اگر به درستی و به طور کامل به آن توجه شود، مایه استحکام ساخت درونی نظام شده و با تقویت و ارتقای آنها می‌توان علاوه بر افزایش مقاومت در برابر هر نوع فشار و باج خواهی بیرونی، امنیت و آرامش را با دور کردن و از بین بردن خطر و یا تهدید در جامعه

ایجاد کرد. در این صورت جمهوری اسلامی نه تنها به الگویی برای دیگر ملت‌ها تبدیل خواهد شد، بلکه می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات منطقه‌ای و جهانی ایفا کند. این ممکن است به شرط آنکه نخبگان، دانشگاهیان و دلبستگان به انقلاب و آرمان‌های آن، مسئله ساخت درونی قدرت را اهتمام داشته و راهکارهای اجرایی آن را معرفی کنند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم

۲. الهامی نیا (۱۳۸۳)، علی اصغر، *فضایل اخلاقی*، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات اسلامی سپاه
۳. الهامی نیا (۱۳۹۰)، علی اصغر و دیگران، *معنویت اسلامی*، قم، زمزم هدایت.
۴. باری بوزان (۱۳۹۰)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۵. برزنونی (۱۳۸۴)، محمدعلی، «*اسلام؛ اصالت جنگ یا اصالت صلح؟*»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره سی و سوم، پاییز و زمستان، ۷۳-۱۵۷
۶. جعفری (۱۳۸۶)، محمد تقی، *حقوق جهانی بشر: تحقیق و تطبیق در دو نظام؛ اسلام و غرب*، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
۷. جعفری، سیداصغر (۱۳۹۵)، «*عوامل موثر در حفظ و توسعه ارزش‌ها مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری*»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۸، بهار، ۷۷-۹۷
۸. دشتی (۱۳۷۹)، محمد، *ترجمه نهج البلاغه*، تهران، زهد
۹. سادات (۱۳۸۰)، محمدعلی، *اخلاق اسلامی*، تهران، سمت
۱۰. ستوده‌نیا، محمد رضا و سادات‌پور، سید هاشم (۱۳۸۹)، «*بصیرت خواص از منظر قرآن کریم*»، ماهنامه کوثر، پاییز، ش ۳۶، ۱۲۸-۱۴۷
۱۱. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۲)، *جنگ نرم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۱۲. عمید زنجانی (۱۳۸۸)، عباسعلی، *مبانی حقوق بشر در اسلام و دنیای معاصر*، تهران، مجد
۱۳. فاضل لنکرانی (۱۳۶۶)، محمد، *آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۴. قربانی (۱۳۶۷)، زین العابدین، *اسلام و حقوق بشر*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۵. قربانی (۱۳۹۲)، سعید، *علم و فناوری دفاعی در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله)*، تهران، دانشگاه مالک اشتر
۱۶. کاظمی (۱۳۷۳)، سیدعلی اصغر، *روابط بین‌الملل در تئوری در عمل*، تهران، قومس

۱۷. کلینی ۱۳۶۳، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، مکتبه الاسلامیه،
۱۸. ماهاتیر محمد (۱۳۸۲)، *جهانی که در آن به سر می‌بریم*، ترجمه محسن پاک آئین، تهران، انتشارات
اطلاعات

۱۹. مجلسی (۱۴۰۳ ه.ق.)، محمد تقی، *بحار الانوار*، بیروت، موسسه دارالاحیاء التراث العربی
۲۰. محرابی، علیرضا (۱۳۸۸)، «*نقش ارزش گرایی دینی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*»،
فصلنامه حصون، شماره ۱۹، ۵ - ۲۲

۲۱. میرتاج‌الدینی (۱۳۷۶)، سید محمد رضا، *اخلاق کارگزاران حکومت از دیدگاه اسلام*، تهران، سازمان
تبلیغات اسلامی

۲۲. هالستی (۱۳۷۶)، کی.جی. *مبانی تحلیل سیاست بین الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم
سری، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

۲۳. نائینی (۱۳۸۶)، علی محمد، *تهدید نرم، ابعاد و ویژگی‌ها*، سایت خبرگزاری فارس (تاریخ انتشار
۸۶/۱۲/۱۵)

1. Kant, Immanuel(1948), *Groundwork of The Metaphysic of Morals*, Trans by H.J.. Pato, London, Hutchinson.
2. Sharp Gene(2005), *The Waging Nonviolent Struggle*, Boston, Extending Horizons books.
3. <http://www.leader.ir>
4. <http://www.basirat.ir>